



گفت‌وگو با سخنگوی برنامه جهانی غذا؛

از هر ۱۰ خانواده ۹ خانواده به غذای کافی دسترسی ندارند



برنامه جهانی غذا (World Food Programme)، یکی از بزرگ‌ترین نهادهای بشری سازمان ملل متحد است. این نهاد سازمان ملل در زمینه امنیت غذایی و رفع گرسنگی در جهان فعالیت می‌کند. وحید امانی، سخنگوی برنامه جهانی غذا، در مصاحبه با روزنامه صبح می‌گوید که از هر ۱۰ خانواده در افغانستان ۹ خانواده به غذای کافی دسترسی ندارند. به گفته او، برنامه جهانی غذا در سال جاری میلادی به ۹۱۸ میلیون دالر نیاز دارد تا بتواند به ۱۵ میلیون تن که با گرسنگی شدید روبه‌رو هستند، کمک کند.



عید قربان زیر پرچم طالبان؛

شهروندان؛

توانایی قربانی و تهیه لباس را نداریم

افغانستان از رهگذر حقوق کودکان یکی از بدترین کشورهای جهان شناخته شد

خط فقر زنده‌گی می‌کند. این سازمان علاوه کرده که جنگ اوکراین سبب شده است تا کودکان بیشتر در سرتاسر جهان در فقر زنده‌گی کنند و گرسنه بمانند. به گفته این نهاد، بحران‌های متعدد، مانند جنگ اوکراین، تغییرات اقلیمی و همه‌گیری ویروس کرونا فشارها را بر کودکان بیشتر کرده است. این در حالی است که پیش از این نیز سازمان‌های حقوق کودکان همواره از وضعیت بد کودکان در افغانستان ابراز نگرانی کرده‌اند. در پی قدرت‌گیری طالبان در افغانستان، درب مکاتب به‌روی دختران بالاتر از صنف ششم بسته شد. این گروه با وجود خواست‌های مکرر جامعه جهانی هنوز تمایلی به بازگشایی مکاتب دخترانه نشان نداده است.

شناخته است. سازمان حقوق کودکان (Kids Rights) که در هالند مستقر است روز دوشنبه، ۵ سرطان، با نشر این گزارش گفته است که افغانستان، سودان جنوبی و چاد از رهگذر حقوق کودکان، بدترین کشورها هستند. این نهاد به منع آموزش دختران در افغانستان اشاره کرده و به این کشور از میان ۱۹۳ کشور، جایگاه ۱۹۱ را داده است. شاخص سالانه سازمان حقوق کودکان که احترام به حقوق کودکان را سنجش می‌کند، سویدن، فنلند و ایسلند را در میان ۱۹۳ کشور، بهترین کشورها برای کودکان شناسایی کرده است. براساس گزارش شاخص حقوق کودکان، تخمین زده می‌شود که در سال ۲۰۲۳ از هر چهار کودک در سراسر جهان، یک کودک زیر



۸ صبح، کابل: سازمان حقوق کودکان با نشر گزارشی افغانستان را از رهگذر حقوق کودکان یکی از بدترین کشورهای جهان

شاهراه کابل-قندهار در اثر سرازیر شدن سیلاب به روی ترافیک مسدود شد

۸ صبح، غزنی: در پی بارش سنگین باران و سرازیر شدن سیلاب در ولسوالی قره‌باغ ولایت غزنی، شاهراه کابل-قندهار به روی ترافیک مسدود شده است. منابع محلی از این ولایت به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که پس از چاشت روز دوشنبه، ۵ سرطان، این شاهراه در ساحه سای‌کرو، مربوط به ولسوالی قره‌باغ به روی ترافیک مسدود شده است. به گفته منابع، هم‌اکنون ده‌ها عراده موتر باربری و مسافربری در دو طرف این ساحه گیرمانده‌اند و منتظر باز شدن مسیر هستند. با این حال، فرماندهی امنیه طالبان در غزنی تأیید کرده است که سرازیر شدن سیلاب در ولسوالی قره‌باغ، یک عراده موتر نوع کرولا را باخود برده، اما سرنشینان آن نجات داده شده است.

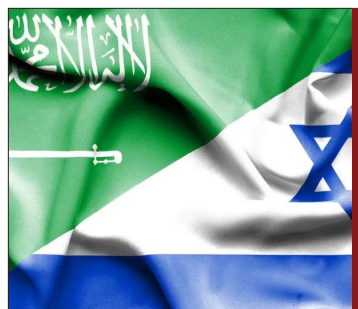
طالبان جنرال مبین را پس از ۲۰ روز به قید ضمانت آزاد کردند



۸ صبح، کابل: جنرال مبین، از چهره‌های رسانه‌یی طالبان گفته است که پس از ۲۰ روز و با دادن ضمانت از زندان این گروه آزاد شده است. جنرال مبین، روز یکشنبه، ۴ سرطان، در صفحه توئیترش با توصیف از جنگ‌جویان و قاضی‌های طالبان نوشته که دادگاه نظامی این گروه وی را آزاد کرده است. وی افزوده است: «از برخورد نیک مجاهدین یک جهان سیاسی و از شفقت و رحمت قاضی‌ها هم یک جهان تشکری می‌کنم.» این چهره رسانه‌ای طالبان جزئیاتی در مورد این که چرا بازداشت و چگونه آزاد شده ارایه نکرده است.

طالبان تا کنون در مورد دلیل بازداشت جنرال مبین چیزی نگفته‌اند. جنرال مبین، در تنش‌ها میان طالبان و ایران بر سر حقایق رود هیرمند، با نشر نوار تصویری سخنان اخطارآمیز ابراهیم ریسی، رییس جمهور ایران را به سخره گرفت. اما گفته می‌شود آنچه که طالبان را وادار به بازداشت جنرال مبین کرد، اظهارات وی در مورد کنترل آب‌های دریای کنر و کابل به پاکستان بود.

عربستان و اسرائیل؛ آیا عادی‌سازی رابطه ممکن است؟



نگاهی به ملا حسن از عینک احمد رشید





حباب توهمان ملا هبت‌الله نیز خواهد ترکید

اگر فراموش کنیم که ملا هبت‌الله امیر طالبان در افغانستان است و تصور کنیم که پیام عیدی او از قندهار نه، بلکه از یک سرزمین ناکجاآباد و مرموز نشر شده که از چشم جهانیان دور مانده است، آنگاه متن خواندنی می‌شود و حس کنجکاوی را برمی‌انگیزد. توصیفی که او از امارتش کرده، در جهان واقعی وجود ندارد. ملا هبت‌الله اعلام کرده که او و طالبانش موفق شده‌اند نظام اسلامی را حاکم و شریعت را اعلام و تطبیق کنند. او نتایج آن تطبیق شریعتش را نیز برشمرده و از جمله ادعا کرده است که استقلال کشور تامین شده، وحدت ملی تحکیم گردیده و تعصبات قومی، زبانی و سمتی از میان برده شده‌اند. او مدعی است که کشور را به خودکفایی اقتصادی رسانده، حقوق زنان را اعاده کرده و آنان را از ستم‌هایی چون ازدواج اجباری نجات داده است. آن‌جا باید سرزمین عجیبی باشد. اما او حاکم سرزمین ناشناخته و کشف‌ناشده نیست که سخنانش را از سر کنجکاوی جدی بگیریم. او حاکم افغانستان است؛ جایی که تعدادی ملای بدوی در راس اداره نشسته و با بستن مکتب، منع آزادی‌ها، سرکوب منتقدان، شکنجه و آزار مخالفان و محاکمه‌های صحرایی مردم را به ستوه آورده‌اند. انسان‌ها در سراسر جهان با شنیدن نام آن سرزمین به یاد عقب‌مانده‌گی، گرسنه‌گی و خشونت باورنکردنی می‌افتند. چگونه است که از چنان امارت سراسر ترس و گرسنه‌گی، پیام خلاف واقع و آشکارا دروغ با نام خدا و آیات و احادیث پیچانده شده و با تکبر بسیار، خطاب به همه مسلمانان جهان و افغانستان صادر می‌شود و در پایانش حتا نصیحتی به ساکنان خاورمیانه و

افریقا نیز درج می‌گردد؟

او احتمالا در میان کوت سلاح‌های باقی‌مانده از عساکر خارجی، کندک‌های انتحاری، مبالغی که آشکار و پنهان از منابع استخباراتی به اداره‌اش تزریق می‌شود و پول‌هایی که با عشر و زکات و مالیات از دهان مردم گرسنه می‌قاچند و نیز مبالغی که از فروش تریاک و قاچاق و اخاذی‌ها به خزانه امارتش می‌ریزد، دچار توهم قدرت شده و به‌راستی فکر می‌کند به «امارت» مسلمانان رسیده و دوره‌ای را در تاریخ افغانستان و دنیای اسلام آغاز کرده است. او شاید درک چندانی از پیچیده‌گی و ابعاد مادی و معنوی جهان امروز ندارد و نمی‌داند که گروه ویرانگرش نه از نظر نظامی، نه از لحاظ اقتصادی و نه از جهت ظرفیت‌های مسلکی در حدی است که بیشتر از یک نیروی مزدور و جنگ‌جویان قراردادی جدی گرفته شوند و کل بودجه سالانه امارتش در حد عواید باند‌های تبهکار متوسط است و برخی شرکت‌ها در همین منطقه ما بیش از تعداد جنگ‌جویان او معاش‌بگیر دارند، چه رسد به دولت‌ها و نظام‌هایی که او مدعی خلق بدیل برای آن‌هاست. این توهم قدرت و حق حاکمیت در زمان جمهوریت نیز گریبان حاکمان را گرفته بود. در آن زمان نیز گروهی از زورمندان حاکم پشت دیوارهای سمنتی و در محاصره موت‌های تعقیبی و عساکر تا دندان مسلح چنان غره شده بودند که یادشان رفته بود بدون حمایت دیگران قادر به تمویل معاش عساکر، تهیه تیل موتور و پرداخت بل‌های برق دفاتر خود نیستند. آنان فراموش کرده بودند که تعامل و تماس سازنده با جهان از یک سو و گفت‌وگو و مشوره با مردم از سوی دیگر، برای بقای خودشان و کل نظام چه‌قدر حیاتی بود.

ملا هبت‌الله بسیار متوهم‌تر از آنان، از عنینت‌ها بریده است. در امارت او گفت‌وگو و مشوره با مردم، رای‌گیری و نظرخواهی، قانون و قرارداد اجتماعی معنا ندارند و برای مردم نقشی جز فرمان‌بری و اطاعت قابل نیستند. در امارت او دولت‌داری گونه‌ای از موعظه است و فاصله میان گفتن و ساختن وجود ندارد. چون امیر طالبان دستور می‌دهد که نظام اسلامی حاکم شود، پس نظام اسلامی حاکم است. چون او موعظه می‌کند که خودکفایی اقتصادی باشد، پس اقتصاد خودکفاست و چون او می‌نویسد که تبعیض پایان یابد، پس پایان یافته حسابش کنید.

اما دولت‌داری و حیات اجتماعی پدیده‌های مجرد ذهنی نیستند که با موعظه و خیال‌پردازی بتوان شکل داد و اصلاح کرد. دیری نخواهد گذشت که ملا هبت‌الله نیز از حباب توهمانش به بیرون پرتاب شود و امارت خیالی‌اش فرو ریزد.

برنامه توسعه سازمان ملل: ۱۰ درصد از کل جمعیت افغانستان مواد مخدر مصرف می‌کنند



۸صبح، کابل: برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) اعلام کرده است که افغانستان حدود ۳٫۵ میلیون مصرف‌کننده مواد مخدر را در خود جا داده که این رقم نزدیک به ۱۰ درصد کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد.

این سازمان یک‌شنبه‌شب، ۴ سرطان، مصرف مواد مخدر از سوی شهروندان افغانستان را یکی از بدترین معضله‌ها به سیستم صحتی این کشور دانسته است.

این اداره گفته که به‌هدف کاهش شمار مصرف‌کننده‌گان مواد مخدر، برای ۲۴ مرکز درمانی معتادان مواد مخدر در افغانستان لوازم صحتی و بسته‌های زمستانی کمک کرده است.

یوان‌دیی پی‌افزوده است: «از زمان تغییر نظام سیاسی در آگست ۲۰۲۱، اکثر مراکز درمانی مواد مخدر در کشور به‌دلیل محدودیت منابع در تلاش برای ادامه فعالیت هستند.»

این اداره تصریح کرده است که کمک به مراکز درمانی معتادان به مواد مخدر از ماه آینده آغاز و تا شش ماه ادامه خواهد داشت.

این در حالی است که طی دو سال اخیر، شماری زیاد از جوانان به‌دلیل فقر، بی‌کاری و مشکلات روحی به استفاده مواد مخدر روی آورده‌اند.

هرچند رهبری طالبان از مبارزه جدی در برابر کاشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان سخن می‌زند، اما گزارش‌هایی وجود دارد که برخی از مقام‌های این گروه در تولید و قاچاق مواد مخدر دست دارند.

در همین حال، سازمانی صحتی جهان نیز به مناسب روز جهانی مبارزه با مواد مخدر و قاچاق آن، روز دوشنبه، ۵ سرطان، در توییتی نوشته که ۳۹ میلیون انسان در جهان از مصرف مواد مخدر رنج می‌برند.

براساس اطلاعات این نهاد، از هر ۵ مصرف‌کننده مواد مخدر تنها یک تن زیر درمان قرار دارند. مرگ ناشی از استفاده مواد مخدر در جهان نیز سالانه ۵۰۰ هزار تن اعلام شده است.

پدری در پروان یک دختر و پسر جوانش را کشت و دو فرزند دیگرش را زخمی کرد

هرچند تا کنون انگیزه دقیق وقوع این رویداد معلوم نیست، اما منابع محلی در این مورد روایت‌های مختلف دارند.

یکی از ساکنان محلی در صحبت با روزنامه ۸صبح، گفت: «عبدالفرید زمانی فرزندانش را تیرباران کرده است که فرزندان او اصرار فراهم کردن لباس و وسایل عیدی داشتند.»

یک منبع دیگر نیز به نقل از نزدیکان عبدالفرید افزود: «این شخص معتاد به مواد مخدر نوع چرس بود و احتمال دارد به همین دلیل دست به این اقدام زده باشد.»

عبدالفرید رانند یک موتر سنگ‌کشی بوده است و پس از وقوع این رویداد از ساحه نیز فرار کرده است.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که از زمان تسلط طالبان به این سو، آمار جرایم جنایی در بخش‌های مختلف کشور افزایش یافته است.

آگاهان، گسترش فقر و بیکاری را از عوامل بیشتر شدن آمار این‌گونه رویدادها عنوان می‌کنند.



۸صبح، پروان: منابع محلی در پروان می‌گویند که پدری در این ولایت، یک دختر و پسر جوانش را کشت و یک پسر ۱۶ و دختر ۱۷ ساله دیگرش را نیز زخمی کرده است.

این رویداد حوالی ساعت ۹:۰۰ صبح روز یک‌شنبه، ۴ سرطان، در روستای «مشگن‌خیل» ولسوالی بگرام رخ داده است.

فرد متهم به این رویداد عبدالفرید ولد حاجی عبدالظاهر نام دارد و فرزندانش را با شلیک اسلحه کلاشینکوف کشته و زخمی کرده است.

درگیری طالبان با مرزبانان پاکستانی در پکتیکا!

دو طالب و پنج سرباز پاکستانی کشته شده‌اند

طالبان زخم برداشته‌اند. به گفته منابع، در میان کشته شده‌ها یک عضو برجسته این گروه به نام صبغت‌الله تکل نیز شامل است.

براساس اطلاعات منابع محلی، درگیری پراکنده تا پس از چاشت امروز نیز در ساحه جریان داشت و هم‌اکنون نیز دو طرف در مواضع‌شان سنگر گرفته‌اند. طالبان در این مورد چیزی نگفته‌اند و علت این درگیری نیز تا کنون روشن نیست.

۸صبح، پکتیکا: منابع محلی در پکتیکا می‌گویند که در اثر درگیری طالبان با مرزبانان پاکستانی در مرز انگور اده این ولایت، دو جنگ‌جوی طالب و پنج سرباز پاکستانی کشته شده‌اند.

منابع معتبر روز دوشنبه، ۵ سرطان، می‌گویند که ناوقت شب گذشته نیروهای طالبان و مرزبانان پاکستانی در مرز انگور اده در ولسوالی برمل ولایت پکتیکا، باهم درگیر شدند.

منابع افزودند که در این درگیری چهار عضو دیگر

واکنش فایق به اظهارات مجاهد:

مردم افغانستان قربانی سیاست‌های قومی هستند

۸صبح، کابل: پس از اظهارات اخیر ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در مورد اکثریت و اقلیت در افغانستان، نصیراحمد فایق، نماینده افغانستان در سازمان ملل متحد، می‌گوید که طالبان برای تحکیم نظام‌شان و توجیه سیاست‌های حذف، از این روش استفاده می‌کنند.

فایق، یک‌شنبه شب، ۴ سرطان، با نشر توییتی گفته که بحران امروزی در کشور ناشی از تعصبات برخی از سیاسیون «مریض» است. وی افزوده است: «دامن زدن به تعصبات قومی و زبانی و مسایل اکثریت و اقلیت اقوام وسیله ابزار نیست که در بیست سال گذشته عمداً از سوی یک شمار از سیاسیون مریض به حمایت بیگانه‌گان بخاطر منفعت شخصی و گروهی استفاده و سبب خونریزی، فقر، عقب‌مانده‌گی و در نهایت مصیبت امروزی در کشور ما شد.»

نماینده افغانستان در سازمان ملل خاطر نشان کرده که تمام اقوام کشور قربانی سیاست‌های قومی، زبانی و افراطی بوده و هستند.

فایق گفته است: «۲۸ میلیون جمعیت افغانستان از تمام اقوام از فقر رنج می‌برند. زنان کشور به‌عنوان نیمی از پیکر جامعه از حق تحصیل و کار محرومند.»

این دیپلمات افغان در حالی از دامن زدن به تعصبات قومی از سوی طالبان انتقاد می‌کند که روز گذشته ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، به آمو گفت که کابینه این گروه بخاطری پشتون است که بیشتر مردم افغانستان از قوم پشتون استند.

پیش از این، کمیته تعزیرات و نظارت بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، رژیم طالبان را «پشتون‌محور» خوانده و گفت که این گروه به سیاست‌های استبدادی دهه ۹۰ خود برگشته‌اند.



انفجار سرگلوله هاوان در قندهار جان دو کودک را گرفته است

۸صبح، قندهار: منابع محلی در قندهار می‌گویند دو کودک که باهم خواهر و برابری بودند، در نتیجه انفجار سرگلوله هاوان در این ولایت جان باخته‌اند.

به گفته منابع، این رویداد صبح دوشنبه، ۵ سرطان، در ساحه توانچه ولسوالی شاه ولی کوت ولایت قندهار رخ داده است.

این کودکان زمانی هدف انفجار قرار گرفتند که مصروف بازی در یک مزرعه بودند.

این در حالی است که چندی پیش نیز در نتیجه انفجار ماین و مواد منفجرناشده در این ولایت، دو کودک کشته و یک کودک دیگر زخمی شدند.

در همین حال، منابع در قندهار می‌گویند که واژگون شدن یک موتر از پل و سقوط آن به دریا، یک کشته و دو زخمی برجا گذاشته است.

به گفته منابع، این حادثه پیش از چاشت امروز در ولسوالی سپین‌بولدک این ولایت به‌وقوع پیوسته است.

عید قربان زیر پرچم طالبان؛

شهروندان؛

توانایه قربانیه وتهیه لباس را نداریم



حالا هم مردم ندارند، اگر نه به عیدها نمی‌دیدیم که مشتری به خرید یخن خود نیاید.» مشکلات اقتصادی و بیکاری سبب شده است که مردم حتا از پوشیدن لباس نو در روزهای عید خودداری کنند. به گفته این دکاندار، وضعیت اقتصادی مردم خوب نیست و مشتریان گاهی که می‌آیند، می‌گویند از یک یخن برای دو یا سه عید استفاده می‌کنند، به خاطری که چیزی ندارند. او تصریح می‌کند که همه‌ساله نزدیک‌های عید ۳۰، ۴۰ تا ۵۰ یخن روزانه می‌فروخت، اما حالا روزی پنج یخن هم فروخته نمی‌تواند.

در همین حال، شماری از باشندگان در هرات می‌گویند که به دلیل بیکاری و مشکلات اقتصادی، آنان توان تهیه لباس عید را ندارند. فیصل، یکی از جوانان در شهر هرات است. او که همه‌ساله به مناسبت‌های عید برایش یخن‌های هراتی تهیه می‌کرد، می‌گوید که لباس‌های عید گذشته را در عید قربان نیز می‌پوشد. فیصل به روزنامه ۸ صبح گفت: «سال‌های گذشته کاروبار برابر بود، به هر دو عید برای خود لباس یخن‌دوخته جور می‌کردم. حالا دیگر وضعیت و شرایط ایجاب نمی‌کند. به آن عید (عید فطر) لباس‌هایی برای خود جور کردم. دوباره همان‌ها را به عید قربان می‌پوشم؛ چون توانایی لباس جور کردن را ندارم. همین پول را مجبور به یک شیرینی عید اختصاص بدهم.»

گفتنی است که حدود دو سال از حاکمیت طالبان بر افغانستان می‌گذرد، اما تجلیل از مناسبت‌های عید در زیر پرچم این گروه به دلیل افزایش بی‌پیشینه فقر، کم‌رنگ‌تر شده است. شهروندان کشور که همه‌ساله در روزهای عید از ۱۰ تا ۱۵ روز پیش آماده‌گی می‌گرفتند، امسال بیشترشان هیچ‌گونه آماده‌گی‌ای نگرفته‌اند.

کسی قرض بگیر، باز روان می‌کنم. هر چه به همین همسایه‌ها گفتم، کسی قرض نداد.» او اضافه می‌کند: «مردم سال‌به‌سال گرسنه‌تر می‌شوند. امسال از همین همسایه‌های ما زیادترشان قربانی ندارند. سال‌های جلوتر از ۲۰ خانه، یک یا دو خانه اگر قربانی نداشتند، ولی امسال از ۲۰ خانه ۱۲ یا ۱۳ خانه قربانی ندارند.»

تسلط طالبان فقر را به‌گونه بی‌پیشینه بر زنده‌گی شهروندان کشور حاکم ساخته است. یخن‌های هراتی حدوداً دو سال پیش از بازار فروش مناسب برخوردار بود و شهروندان، به‌خصوص جوانان در مناسبت‌های خاص مانند عید برای‌شان یخن هراتی آماده می‌کردند. فروشنده‌گان یخن‌های هراتی امسال از کسادی در بازار خبر می‌دهند و می‌گویند که شهروندان و حتا جوانان نیز برای خرید یخن به مناسبت عید نیامده‌اند. محمدحسین در مارکیت قمر هرات شغل دکانداری دارد. او که خود را یکی از طراحان یخن‌های هراتی و از اولین فروشنده‌گان «کمپیوتری» می‌داند، از شغلش ناراضی است و می‌گوید که بازار فروش یخن از رونق افتاده است. به گفته او، مردم حتا در ایام عید برای خرید یخن به دکان او نیامده‌اند.

او در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «از ما زیادتر مشتری‌های ما از اطراف شهر بود. از داخل شهر هم مشتری داریم، ولی بسیار کم. همه‌ساله به عیدها از ولسوالی‌ها زیاد می‌آمدند و از یک یخن تا ۲۰ یا ۳۰ یخن می‌بردند؛ اما این سه عید است که مشتریان ما کم شده می‌رود. آن عید دیگر بهتر بود، این عید که هیچ‌کس نیامد.»

او اضافه می‌کند: «ما یک مثل داریم که می‌گوییم اگر ده [قریه] گشته بود، به شهر خودبه‌خود گشته‌گی می‌آید.

مشکلات اقتصادی سبب شده است که مردم برای مراسم دینی نیز آماده‌گی نداشته باشند. بیکاری، فقر و نبود توان خرید سبب شده است که فیض‌محمد امسال قربانی نداشته باشد. او که از سال‌ها به این سو همه‌ساله قربانی داشت، با آه و افسوس می‌گوید که حتا حاضر بود قربانی را به قرض بگیرد، اما کسی به او قرض نداده است.

فیض‌محمد به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «کسی که ۱۵ یا ۱۶ سال قربانی کند، بر علاوه این‌که مساله شرعی است، به او یک عادت هم می‌شود؛ اما متأسفانه امسال از این‌که قربانی ندارم، هنوز ناراحتم که ای کاش تا دو روز دیگر فرصت برابر شود تا در این عید هم قربانی داشته باشم. در تلاش بودم، پیدا نشد. حتا به این فکر بودم که نزدیک عید از کسی قرض بگیرم و قربانی کنم. حالا به هر کدام از قوم و خویشان که گفتم، به من از ناداری گپ زدند.»

او اضافه می‌کند: «وضعیت اقتصادی مردم خوب نیست. بیکاری زیاد است. خودم قبلا در یک ارگان دولتی کار می‌کردم و از عهده مصارف خانواده می‌ادم، اما دو سال می‌شود که بیکارم. چیزی هم که داشتیم، خوردیم و خلاص شد. خدا شاهد است که غذای درستی در خانه از دست ناداری خورده نمی‌توانیم.» فقر تنها به روی زنده‌گی این باشندگان هرات تأثیر نکرده است. بازمحمد، یکی از باشندگان ولسوالی تولک غور، نیز از نبود قربانی در عید امسال سخن می‌زند. وی به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «دل خود ما هم زیاد می‌خواست که قربانی داشته باشیم، افسوس که نداریم و قادر به خرید گوسفند هم نیستیم. بچه‌گک من هم تازه در ایران سر شده بود. هنوز قاچاقی خود را خلاص نکرده، به او زنگ زدم و از قربانی گفتم. گفت بابه، از

باشنده‌گان حوزه غرب کشور می‌گویند که امسال به دلیل ناداری و فقر، قدرت خرید قربانی را ندارند و حتا فروشنده‌گان لباس، به‌خصوص یخن‌های هراتی نیز از عدم فروش و مشتری شکایت دارند. به گفته آنان، مشکلات اقتصادی سبب شده است که مردم برای مراسم دینی نیز آماده‌گی نداشته باشند.

۸ صبح، هرات

عید قربان به‌عنوان مراسم مهم مذهبی در جوامع اسلامی شناخته می‌شود. از همین رو، شهروندان کشور در بزرگ‌شهرها و روستاها همه‌ساله با داشتن قربانی و پوشیدن لباس‌های اغلب «یخن‌دوخته» و جدید به استقبال عید می‌روند. قربانی و پوشیدن لباس جدید در عید قربان، به یک رسم دیرینه و فرهنگ جافتاده در کشور بدل شده است. در دو سال گذشته اما فقر اقتصادی، بیکاری و وضعیت بد سیاسی چنان سایه تاریک بر زنده‌گی شهروندان افکنده است که بیشتر افراد اعم از زن و مرد بدون تهیه لباس جدید و بدون قربانی با روحیه نه‌چندان خوب، عید را تجلیل می‌کنند. باشندگان حوزه غرب کشور می‌گویند که امسال به دلیل ناداری و فقر، قدرت خرید قربانی را ندارند و حتا فروشنده‌گان لباس، به‌خصوص یخن‌های هراتی نیز از عدم فروش و مشتری شکایت دارند. به گفته آنان،

گفتوگو با سخنگوی برنامه جهانی غذا؛

از هر ۱۰ خانواده ۹ خانواده به غذای کافه دسترس ندارند

امانی می‌گوید که ممنوعیت کاری زنان به فعالیت‌ها و روند کمک‌رسانی آنان صدمه زده است. سخنگوی برنامه جهانی غذا در مورد تعلیق فعالیت‌های این نهاد در غور می‌گوید، تا زمانی که اطمینان کامل از عدم مداخله طالبان محلی را دریافت نکنند، فعالیت‌هایشان در این ولایت از سر گرفته نمی‌شود.

امین کاوه

رسیده بود.

۸ صبح: با توجه به تحولاتی که به‌وجود آمد و شما هم از بحران بشری یادآوری کردید، وضعیت بشری و کمک‌رسانی شما در سال ۲۰۲۲ چگونه بود؟
امانی: برنامه جهانی غذا در سال ۲۰۲۲ پلان‌های خود را برای کمک‌رسانی افزایش داد و از جهان کمک‌های بیشتر درخواست کرد. در سال ۲۰۲۲ به بیشتر از ۲۳ میلیون تن مواد غذایی توزیع شد. افغانستان در سال ۲۰۲۲ با بحران بشری مواجه بود و کمک‌های بشردوستانه توانست این کشور را از وضعیتی که به‌سمت قحطی می‌رفت، جلوگیری کند. کمک‌های بشری اندکی سطح فقر و گرسنه‌گی را پایین آورد، اما توقع برنامه جهانی غذا را برآورده نتوانست. این کمک‌ها از تشدید بحران بشری جلوگیری کرد. در سال ۲۰۲۳ به بیشتر از ۲۳ میلیون تن کمک صورت گرفت که این کمک‌ها شامل توزیع بیشتر از یک میلیون متریک تن مواد غذایی و توزیع پول نقد به ارزش ۳۲۶ میلیون دالر بوده است.

که اطمینان کامل از عدم مداخله طالبان محلی را دریافت نکنند، فعالیت‌های‌شان در این ولایت از سر گرفته نمی‌شود. او از جامعه جهانی می‌خواهد که افغانستان را تنها نگذارد و برای رسیده‌گی به بحران بشری در این کشور کمک کند.

۸ صبح: در آغاز از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، سپاس‌گزاریم. اجازه بدهید نخستین پرسش را از بزرگ‌ترین بحران بشری در افغانستان آغاز کنیم. با سقوط این کشور به‌دست طالبان، بحران بشری در افغانستان به‌شدت افزایش یافت، شما در این مدت چه برنامه‌هایی را در افغانستان به منصفه اجرا گذاشته‌اید؟
امانی: از شما هم تشکر. برنامه جهانی غذا (WFP) در اوایل سال ۲۰۲۱، پلان داشت که کمک‌های بشردوستانه را به ۱۰ میلیون تن در افغانستان

اشاره: برنامه جهانی غذا (World Food Programme)، یکی از بزرگ‌ترین نهادهای بشری سازمان ملل متحد است. این نهاد سازمان ملل در زمینه امنیت غذایی و رفع گرسنه‌گی در جهان فعالیت می‌کند. وحید امانی، سخنگوی برنامه جهانی غذا، در مصاحبه با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که از هر ۱۰ خانواده در افغانستان ۹ خانواده به غذای کافی دسترسی ندارند. به گفته او، برنامه جهانی غذا در سال جاری میلادی به ۹۱۸ میلیون دالر نیاز دارد تا بتواند به ۱۵ میلیون تن که با گرسنه‌گی شدید روبه‌رو هستند، کمک کند. امانی می‌گوید که ممنوعیت کاری زنان به فعالیت‌ها و روند کمک‌رسانی آنان صدمه زده است. سخنگوی برنامه جهانی غذا در مورد تعلیق فعالیت‌های این نهاد در غور می‌گوید، تا زمانی

نگاه به ملاحسن از عینک احمد رشید

امینی

احمد رشید، نویسنده و خبرنگار مشهور اهل پاکستان است. او بر بخشی از تحولات کلان سیاسی افغانستان خوب وقوف دارد، از جمله جهاد مردم افغانستان علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق و ظهور گروه طالبان. او با رهبران جهادی و مقام‌های رده اول طالبان خوب آشنایی دارد و از نزدیک با هریک دیدار و گفت‌وگو داشته است. او سال‌ها پیش کتابی نوشته است به نام «کابوس طالبان». این شاید مشهورترین و خوب‌ترین کتابی باشد که در باب چگونگی ظهور و ماهیت طالبان نوشته شده و بسیاری آن را خوانده‌اند و اگر نخوانده باشند، قطعاً نامش را شنیده‌اند. چیزی که روایت این کتاب از طالبان را برای خواننده پذیرفتنی و باور کردنی نشان می‌دهد، این است که نویسنده در قامت یک خبرنگار معروف با طالبان در حشرونشر بوده است.

نویسنده در برخی صفحات کتاب به اختصار از ملا حسن یاد کرده است؛ همین ملا حسنی که از سپتامبر ۲۰۲۱ بدین سو به نام رییس‌الوزرای گروه طالبان شناخته می‌شود. پرسشی که شاید در ذهن خواننده خلق شود، این است که چرا از میان آن‌همه مقام مشهور طالبان در کتاب تنها ملا حسن را برگزید و به او پرداخت؟ این پرسش دو پاسخ دارد: اول این که ملا حسن به قول نویسنده در گذشته فرد دوم طالبان پس از ملا عمر بوده و هنوز هم جایگاه خود را حفظ کرده است. دوم این که روایتی را که نویسنده از ملا حسن ارائه داده، نشان می‌دهد که او، همان آدم گذشته است و کوچک‌ترین تغییری در فکرش پدید نیامده است؛ البته از لحاظ فیزیکی نحیف‌تر و ضعیف‌تر شده است.

۱- پای چوبی ملا حسن و روان‌پرسی او

به قول نویسنده، ملا حسن در سال ۱۹۸۹ در جنگ با شوروی یک پا و یک بند انگشت خود را از دست داده است. نویسنده، او را از جمله مسن‌ترین و نادرترین رهبران طالبان معرفی می‌کند. مسن از آن رو که در آن زمان (سلطه اول طالبان) ۴۰ سال داشت و نادر از آن رو که به قول نویسنده علیه شوروی خوب جنگیده است. نویسنده پای چوبی ملا حسن را به پای «لانگ جان‌سیلور» شباهت می‌دهد. جان‌سیلور شخصیت معروف در کتاب «جزیره گنج» نوشته «رابرت لویی استیونسون» است. او دزد دریایی فرتوت و ماهر است که یک پای چوبی و یک چشم کور دارد و در عین حال نقش خود را قشنگ ایفا می‌کند.

به روایت نویسنده، یک پای ملا حسن تکه چوب کهنه رنگ‌رفته و پر از سوراخ بود. سازمان‌های بشردوستانه



بین‌المللی برای کسانی که عضو ناقص داشتند، اعضای مصنوعی جدید تدارک دیده بودند، ولی ملا حسن آن را نمی‌پذیرفت. او می‌نویسد: «اما حسن می‌گفت که پای چوبی کهنه‌اش را ترجیح می‌دهد.» (رشید، ۱۳۸۳: ۴۱)

به باور رشید، پای چوبی ملا حسن برای او آزاردهنده بود. او برای آن که نشان دهد یک‌پا نیست، با پای سالم خود هر دم میز دفترش را به هر سو هل می‌داده است. همچنان بر دیگران زود خشم می‌گرفته و پرخاش می‌کرده است، در حالی که به ظاهر آدم نرم و کرختی بوده است. به رغم نرمی و کرختی، باری یکی از نماینده‌گان سازمان ملل متحد برای افغانستان را خفه و لت‌وکوب کرده است. علت این بوده است که جاده روستای ملا حسن در قندهار را جغل‌ریزی نکرده است. او می‌نویسد: «ملا محمدحسن، حاکم یک‌پای قندهار که معمولاً مودب بود، یک میز و یک صندلی را بر سر یک نماینده سازمان ملل متحد پرتاب کرده بود، البته پس از تلاش برای خفه‌کردنش! چرا که نماینده مزبور از سنگ‌فرش کردن یک جاده در دهکده او خودداری کرده بود.» (پیشین: ۱۰۱)

او نه‌تنها ملا حسن، بلکه رقم بلندی از مقام‌های طالبان را یک‌چشم و یک‌پا معرفی می‌کند: ملا عمر، رهبر طالبان و نورالدین ترابی و محمدقیس، وزیران سابق عدلیه و خارجه این گروه، یک‌چشم بودند. همچنان عبدالمجید، شهردار کابل، هم فاقد یک پا و دو انگشت

بوده است.

۲- بیگانگی با سرگرمی و موسیقی

نویسنده، خواننده را به دوردست‌ها با خود می‌برد. از بازار گرم سینما در افغانستان می‌گوید و افغان‌ها را سینماهای معروفی خطاب می‌کند. به تعقیب آن مرحله درخشان، از مرگ سینما در سایه سلطه اول طالبان نیز می‌گوید. به روایت او، طالبان که آمدند، همه‌چیز را ممنوع کردند: تماشای فلم، تلویزیون، نوار ویدیو، موسیقی، رقص و... او برای آن‌که دلیل ممنوعیت موسیقی را روشن سازد، با برخی سران طالبان از جمله ملا حسن گفت‌وگو کرده است. به روایت او، ممنوعیت موسیقی برای طالبان قاعده‌گریزناپذیر بوده است؛ به این معنا که کسی را در میان این گروه نمی‌توان یافت که قایل به عدم کراهت موسیقی از منظر آنچه شرع می‌خوانند باشد. او از گفت‌وگوی خود با ملا حسن در زمینه ممنوعیت موسیقی چنین می‌نویسد: «ملا محمدحسن به من گفت: مطمئناً ما درک می‌کنیم که مردم نیاز به سرگرمی دارند، اما آن‌ها می‌توانند به پارک بروند و گل‌ها را تماشا کنند. این امر چیزهای زیادی در مورد اسلام به آن‌ها می‌آموزد.» (پیشین: ۱۵۳)

همچنان از گفت‌وگوی خود با ملا عبدالحنیف، وزیر معارف طالبان، یاد می‌کند که موسیقی را عامل خسته‌گی روح و غفلت از فراگیری اسلام خوانده بوده است. این نشان می‌دهد که رویکرد طالبان نسبت به موسیقی نه‌تنها تغییر نکرده، بل سخت‌گیرانه‌تر و بدبینانه‌تر از پیش شده است که تازه‌ترین نمونه آن اعلام ممنوعیت‌های اخیر در هتل‌های عروسی هرات می‌تواند باشد.

۳- در حسرت کسب مشروعیت

ملا حسن در ۲۹ جدی ۱۴۰۰ در اولین بیانیه رسمی خود که در کنفرانسی در کابل صحبت می‌کرد، از کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای اسلامی خواستار آن شد تا کابینه سرپرست طالبان را به رسمیت بشناسند. او البته با لحن حسرت‌آمیز و از موضع ضعف خواست خود را بیان کرد. برای نمونه، خطاب به دنیا گفت: «با محمداشرف غنی (رییس‌جمهور پیشین) که دومین شخص فاسد دنیا خوانده بودید، کار کردید، چرا با طالبان که ریشه فساد را برکنده‌اند کار نمی‌کنید؟» یا هم با لحن تضرع‌آمیز گفت: «افسوس که به محض برقراری امنیت و پایان مشکلات، کم‌کم‌ها را متوقف کردند تا نفس مردم را بگیرند.» همچنان به‌تازگی ملا هب‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، با لحن حسرت‌آمیز

گفته است که نه کشورهای کفری ما (طالبان) را به رسمیت می‌شناسند و نه هم اسلامی.

جالب این است که ملا حسن عین این ادبیات را در گفت‌وگو با احمد رشید نیز به کار برده است. به روایت او، کسب مشروعیت از سوی طالبان از این‌که تبدیل به حسرت شده بود. سران طالبان از این‌که به استثنای سه کشور، بقیه دنیا به آن‌ها پشت کرده بودند و از مخالفان آن‌ها حمایت می‌کردند، به‌شدت رنج می‌بردند. از گفت‌وگوی خود با ملا حسن این‌گونه می‌نویسد: «ملا محمدحسن با حسرت می‌گفت: ما حتا یک دوست هم در دنیا نداریم. ما ۳/۴ کشور را فتح کردیم، پایتخت را گرفتیم، ولی حتا یک پیام تبریک دریافت نکردیم.» (پیشین: ۸۲)

به نظر می‌رسد که کسب مشروعیت از سوی دنیا برای طالبان یک حسرت ابدی خواهد بود؛ چون اگر ظاهر و باطن خود را از بن دگرگون نسازند، ولو هزار بار دیگر قدرت را در قبضه گیرند، مشروعیت ملی و بین‌المللی به دست نخواهند آورد.

۴- بی‌پروایی به قانون

چیزی که برای طالبان ارزش ندارد، قانون است. افغانستان تنها کشوری است که فعلاً بر مبنای قانون اداره نمی‌شود. قرائت طالبان از دین جای قانون را گرفته و حتا برتر از آن نشسته است. طالبان در گذشته و حال قانون را کنار زده‌اند. در هیچ حوزه‌ای به‌ویژه حوزه کیفری قانون وضعی وجود ندارد. همه امور به واسطه قرائت شخصی طالبان از دین هدایت می‌شود. احمد رشید در جای‌جای کتاب خود از محاکمه صحرایی طالبان و شکنجه مجرمان و به دار آویختن آن‌ها حکایت‌های هولناکی دارد. یکی از این حکایت‌ها، زیر دیوار کردن متهمان است که در فبروری ۱۹۹۸ سه مرد متهم به لواط را در قندهار زیر دیوار کرده بودند. رشید از گفت‌وگوی خود با ملا حسن در زمینه فوق این‌گونه می‌نویسد: «ملا محمدحسن اعلام کرد: ریش‌سفیدان مذهبی ما در مورد مجازات مناسب برای هم‌جنس‌بازی توافق ندارند.» (پیشین: ۱۵۲)

این امر نشانگر آن است که برای طالبان به‌ویژه ملا حسن آخوند، رییس‌الوزرای این گروه، قانون به پیشیزی نمی‌آرد؛ چیزی که مهم است، نظر ریش‌سفید قوم است؛ حتا در زمینه مجازات مجرمان که مهم‌ترین مساله در امر دولتی‌داری در دنیای معاصر از باب ضرورت تامین عدالت است.

منبع:

رشید، احمد (۱۳۸۳)، کابوس طالبان با یادداشتی از اولیویه زی، ترجمه گیلدا ایروانلو. تهران: موسسه فرهنگی-هنری غزل پویا.

نقش طالبان در رشد افراطیت در جامعه پشتون

اتل سالار هاشمی

قبل از کودتای هفت ثور، کشور برای چند دهه در مقایسه با دوران پس از آن آرام بود. گردش‌گران خارجی به سراسر افغانستان سفر می‌کردند و هموطنان ما نیز برای کار و تفریح بدون مزاحمت به هر جا رفت‌وآمد داشتند. در آن زمان جامعه پشتون به افراطیت مذهبی آلوده نشده بود و انسان‌ها با رنگ‌ها و باورهای گوناگون می‌توانستند کنار هم بنشینند و یا همسفر شوند، بدون آن که محتسبی به لباس و موی و باورهای کسی تعرض کند. در آن دوره کارهای بنیادی در عرصه‌های مختلف انجام می‌شد و زیربناهای وطن توسعه می‌یافت. جامعه از نظر فرهنگی در حال ترقی بود، موسیقی و هنر قدر می‌شد، تعلیم و کار هم زینت و هم نیاز اصلی زنده‌گی تبلیغ می‌شد، و دولت‌مردان مشغول ترویج مرگ‌اندیشی نبودند.

با قدرت‌گرفتن چپی‌ها، افراطی‌های مذهبی به حمایت امریکا دست به تفنگ بردند و منابع بسیاری برای ترویج افراطیت در اختیار گروه‌های وابسته به پروژه‌های استخباراتی قرار گرفت که در نتیجه فرهنگ، دین و سنت‌های مردم در سراسر کشور، به‌خصوص در مناطق

شهر کابل به ویرانه بدل شد و مردم دچار مصیبت‌های بی‌پیشینه شدند. ستم‌هایی که در این دوره مردم کشیدند، بر تهاجم عساکر شوروی سایه انداخت و کشتارها و ویران‌گری‌های آن سال‌ها را در خاطره‌ها کم‌رنگ کرد.

از بطن آن دوران سیاه چور و کشتار، گروه دیگری زاییده شد که تا امروز در صحنه سیاست مشغول تخریب و برپادی کشور است. بیشتر اعضای این گروه (طالبان) وابسته به پاکستان بودند. آنان در پاکستان به مدرسه رفته و بزرگان‌شان در آن جا خانه و جای‌داد داشتند. بعد از حاکم شدن طالبان، توجه مردم فریب‌خورده بیشتر به مدارس جلب شد و در مناطق پشتون‌نشین تعداد کودکان مدرسه‌رو افزایش بی‌پیشینه یافت.

حکومت طالبان دیر دوام نیاورد و سقوطش روند طالب‌سازی جامعه را برای مدتی کند کرد. در بیست سال دوره جمهوری مردم تا حدودی با جهان بیرون آشنا شدند، نصاب تعلیمی به‌طور نسبی بهبود یافت و معیارهای آموزشی ارتقا داده شد. تعداد افراد تحصیل کرده بیشتر شد. اما با سقوط آن نظام و برگشت

طالبان کشور به دام افراطیت غلتید. اکنون در هر گوشه کشور مدرسه می‌سازند و مردمی که انتخاب‌های دیگر به‌روی‌شان بسته شده است کودکان خود را به مدارس می‌فرستند. ادارات، بازار و تقریباً همه میدان‌ها در انحصار طالبان قرار گرفته است و کودکان به ندرت با الگوهای غیرطالبانی مواجه می‌شوند. برای خیلی‌ها هنوز پاسخ این سوال روشن نیست که مدرسه چه ضرر دارد و طالب‌شدن مردم چه بر سر کشور خواهد آورد؟ کسانی که از نصاب مدارس و روش تدریس آن‌ها اطلاع ندارند، در تردید نسبت به عواقب مدرسه‌سازی شاید محق باشند، و آنانی را که از رفتار و اعمال طالبان هم به‌خوبی آگاهی ندارند نیز می‌توان معذور دانست. ما که از نصاب مدارس مطلع هستیم و میتود درسی آن‌ها را می‌دانیم، از افکار طالبان آگاهییم و رفتارشان را نیز دیده و تجربه کرده‌ایم، از آینده طالبانی‌سازی کودکان در هراسیم و عواقب ترویج افراط‌گرایی را برای مردم بسیار ناگوار می‌دانیم.

از هر ۱۰ خانواده ۹ خانواده به...

۸صبح: افغانستان از لحاظ سیاسی در یک وضعیت دشوار قرار دارد. عوامل سیاسی باعث شده که توجه جهان به این کشور کم شود. خشکسالی‌های متواتر، حوادث طبیعی، بیکاری و فقر مأموریت سازمان‌های امدادرسان را با چالش جدی مواجه ساخته است. کمک‌های غذایی شما در سال پیش‌رو برای چند میلیون تن برنامه‌ریزی شده است؟

امانی: افغانستان از نظر تغییرات اقلیمی با مشکلات زیاد دست‌وپنجه نرم می‌کند. خشکسالی‌های متواتر مردم را در کنار فقر و بیکاری با مشکل مواجه ساخته است. این عوامل مردم را مجبور و متکی به کمک‌های بشری ساخته است. برنامه جهانی غذا در سال ۲۰۲۳ پلان داشت که در هر ماه به بیشتر از ۱۵ میلیون تن مواد غذایی را برساند؛ اما در ماه‌های مارچ و اپریل با کاهش بودجه مواجه گردید و مجبور شد که ۱۳ میلیون تن را که پیش از این به آنان کمک می‌رساند، به ۸ میلیون تن کاهش دهد. منابع مالی کنونی برنامه جهانی غذا اجازه می‌دهد که به پنج میلیون تن در هر ماه مواد غذایی کمک کند.

۸صبح: برنامه جهانی غذا در سال ۲۰۲۳ برای کمک‌رسانی به چقدر پول نیاز دارد و از این میان، چقدر آن به‌دست آمده است؟

امانی: آخرین ارقامی که وجود دارد، این است که حدود ۱۵ میلیون تن در افغانستان با گرسنگی شدید مواجه هستند و نیاز عاجل به کمک‌های بشردوستانه دارند. برنامه جهانی غذا پلان کرده بود که حداقل به ۱۳ تا ۱۵ میلیون تن کمک‌های بشردوستانه را ارائه کند. بودجه ما برای شش ماه پلان می‌شود و این بودجه از سوی دولت‌های کمک‌کننده به‌دست می‌آید. بودجه برای ماه‌های اول سال جاری میلادی توانست حدود ۱۳ میلیون تن را تحت پوشش بگیرد، اما برای ماه‌های بعدی از مارچ و اپریل این ارقام به ۸ میلیون تن کاهش پیدا کرد. فعلاً ما برای شش ماه آینده نظر به پلان ماهانه حدود ۱۵ میلیون تن را تحت پوشش گرفته‌ایم که به ۹۱۸ میلیون دالر نیاز عاجل است.

۸صبح: شما از این ۹۱۸ میلیون دالر تا کنون چقدر آن را به‌دست آورده‌اید؟

امانی: این مربوط به زمان و برنامه بعدی می‌شود. در حال حاضر منابع معدود وجود دارد. اگر پلان به‌گونه مکمل به تعدادی که گفته شد، تطبیق شود به ۹۱۸ میلیون دالر به‌صورت عاجل نیاز است. اما از منابع معدود به مستحق‌ترین و نیازمندترین مردم، کمک صورت می‌گیرد تا نیازمندی‌های غذایی حداقلی‌شان تامین شود. برای منابع مالی وعده‌هایی صورت گرفته است، ولی دقیق گفته نمی‌توانیم. منابع در راه است، می‌آید. شما شاهد هستید که چند روز قبل چین و جاپان کمک کردند. همین قسم کشورها کمک می‌کنند، اما در مجموع تا ختم سال ۹۱۸ میلیون دالر نیاز عاجل است.

۸صبح: کمک‌های برنامه جهانی غذا شامل چه نوع کمک‌هایی است و روی چه محورهایی می‌چرخد؟

امانی: فعالیت‌های برنامه جهانی غذا در افغانستان شامل چندین محور کلان می‌شود. نخستین و بزرگ‌ترین فعالیت‌هایی که در عرصه کمک‌رسانی انجام می‌دهد رساندن کمک‌های غذایی و رسیدگی به حالت‌های اضطراری است که بیشترین کمک‌ها برای پاسخ‌گویی در حالت اضطرار به مصرف می‌رسد. این کمک‌ها شامل مواد غذایی، پول نقد و توزیع کوبون است که در واقع حدود ۷۰ درصد کمک‌های برنامه جهانی غذا را در بر می‌گیرد.

ایجاد پروژه‌های عام‌المنفعه در سطح محلی از برنامه‌های دیگر برنامه جهانی غذا در تمام افغانستان است. این پروژه‌ها با مشوره‌های مردمی مبتنی بر نیازهای‌شان صورت می‌گیرد. کانال‌های آبیاری، سرک‌سازی، پاک‌کاری کاریزها، فعالیت‌های زراعتی و سایر پروژه‌های عامه است که در اکثریت ولایت‌ها ادامه دارد. به‌گونه مثال، کانال‌های آبیاری در بدخشان زمین‌های لملی را زیر آب در آورده است. تا ده کیلومتر کانال برای حل مشکلات مردم ساخته شده است.

بخش دیگر فعالیت‌های برنامه جهانی غذا را آموزش‌های مسلکی تشکیل می‌دهد که این عرصه

بیشتر برای خانم‌ها اختصاص داده شده است. حدود ۹۰ درصد فعالیت این برنامه متمرکز بر زنان است که در ۱۵ رشته، آموزش‌های مسلکی را در افغانستان به پیش می‌برند. زنان با سپری کردن این آموزش‌ها قادر می‌شوند تا قالی‌بافی، موبایل‌سازی، لین‌دوانی، نل‌دوانی، بکس‌دوزی، بوت‌دوزی، خامک‌دوزی و سایر مهارت‌های مسلکی و فنی را یاد بگیرند و از آن برای تقویت اقتصاد خانواده‌گی‌شان استفاده کنند. برنامه آموزش‌های مسلکی برای شش ماه در نظر گرفته شده است.

از محورهای مهم و حیاتی دیگر فعالیت‌های برنامه جهانی غذا مبارزه با سوءتغذیه است. این برنامه از طریق ایجاد مراکز صحتی عامه و سیار، برای سوءتغذیه حاد و متوسط کار می‌کند تا زمینه تداوی خانم‌های شیرده و حامله، و کودکان زیر پنج سال را مساعد سازد و نیز از طریق توزیع مواد غذایی خاص، از آن جلوگیری کند. ثبات سیستم‌های مواد غذایی، از فعالیت‌های دیگری است که هم‌اکنون در بعضی از ولایت‌ها جریان دارد و برنامه جهانی غذا، برای آن پلان‌های منظم دارد. از طریق این برنامه به مردم کمک می‌شود که با ایجاد خانه‌های سبز (Green House) و ایجاد باغچه‌های فامیلی و مسایلی از این دست برای تقویت سیستم غذایی‌شان بیفزایند. کمک‌های ظرفیتی و خدمات هوایی برنامه‌های دیگری است که برنامه جهانی غذا آن را در افغانستان انجام می‌دهد.

۸صبح: پیشتر شما از ایجاد برنامه آموزش‌های مسلکی برای زنان یاد کردید. آیا این برنامه در حال حاضر وجود دارد و با وضع محدودیت‌های جدید طالبان متوقف نشده است؟

امانی: خیر. این پروژه‌ها هنوز ادامه دارد؛ اما بنا به محدودیت‌هایی که وضع شده، متاثر شده است. کوشش این است که خانم‌ها چه در سطح دفتر و چه در سطح سازمان‌های همکار، به‌کار برگردند و پروژه‌های در نظر گرفته شده برای خانم‌ها را به شکل احسن و بهتر تطبیق کنند.

۸صبح: در اثر محدودیت‌های کاری‌ای که بر زنان در موسسه‌های خارجی و داخلی وضع شده، اکثریت آموزگاران نیز خانه‌نشین شده‌اند. حال این حرفه‌ها و آموزش‌های مسلکی از سوی چه کسانی تدریس می‌شود؟

امانی: آموزگاران این برنامه‌ها همه‌شان زنان هستند. شرایط را درک می‌کنیم، محدودیت‌هایی که وجود دارد کارها را متاثر ساخته است. اما این فعالیت‌ها متوقف نشده است.

۸صبح: یکی از اصول کاری برنامه جهانی غذا شامل پروژه‌های جنسیت‌محور می‌شود. با توجه به شرایط فعلی در افغانستان، مردم از روند توزیع کمک‌های بشردوستانه به‌ویژه به زنان به‌شدت شکایت دارند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که زنان عملاً از پروژه‌ها حذف شده‌اند. شما چقدر اطمینان دارید که پروژه‌ها و کمک‌هایی که انجام می‌دهید جنسیت‌محور است؟

امانی: تمام کمک‌های برنامه جهانی غذا در تمام جهان براساس چهار اصل بشری صورت می‌گیرد. اصل اول، بشردوستی است. هر کسی که نیاز به کمک بشری داشته باشد این کمک‌ها برای‌شان رسانده می‌شود. اصل دوم، بی‌طرفی است. ما بی‌طرفانه صرف از نظر این که کی در کجا و با چه عقیده می‌باشد، نظر به نیازمندی‌های انسانی کمک می‌کنیم. اصل سوم، عدم جانب‌داری است. ما طرف‌دار هیچ گروهی نیستیم. هدف ما رساندن کمک‌های غذایی به نیازمندان است. اصل چهارم، رساندن کمک‌های بشری به‌شکل مستقلانه است. اگر نتوانیم مستقلانه کمک‌رسانی کنیم، در امور کمک‌های بشری مداخله صورت بگیرد و امکان این نباشد که کمک‌های غذایی به نیازمندان برسد، در آن صورت کمک‌ها به تعلیق در می‌آید. بنابر محدودیت‌هایی که در افغانستان وجود دارد، برنامه جهانی غذا در برخی از ولایت‌ها کمک‌هایش را به حالت تعلیق در آورده است. برنامه جهانی غذا، به تشکیلات محلی با مشوره به آن‌ها از طریق موسفیدان، ملاامان، مسوولان قریه‌ها و وکلای گذر، خانم‌های مستحق را شناسایی می‌کند. این کار زمانی صورت می‌گیرد که زنان همکار ما نتوانند در آن مناطق بروند. از طریق‌های مختلف از



امکانات استفاده می‌کنیم تا کمک‌ها به زنان برسد و نیازمندی‌های آن‌ها در کمک‌های بشردوستانه در نظر گرفته شود. برای کارمندان موسسات همکار، امکانات محرم در نظر گرفته شده تا زنان بتوانند به دورترین مناطق بروند و از روند توزیع کمک‌ها و برنامه‌ها نظارت کنند. مشکلات که از طریق وضع محدودیت‌ها به میان آمده پابرجاست، ولی تمام تلاش‌ها صورت می‌گیرد که کمک‌ها به زنان و مردان مستحق و نیازمند عادلانه توزیع شود.

۸صبح: شما از منابع محلی و مردم یاد کردید. با توجه به گزارش‌هایی که به ما می‌رسد، وکلای گذر، منتفذان محلی و ملاامان از طرف مردم در روند توزیع کمک‌ها به‌عنوان مشکل و معضل شناخته می‌شوند. روند نظارت شما چگونه است و مردم چگونه اطمینان حاصل کنند که کمک‌ها به مستحقان می‌رسد؟

امانی: برنامه جهانی غذا برای تشخیص نیازمندان از یک راه استفاده نمی‌کند. چندین راه را برای تشخیص دنبال می‌کند تا مطمئن شود که کمک‌ها به مستحقان به‌ویژه خانم‌های نیازمند می‌رسد. مردم می‌توانند مستقیم تماس بگیرند، زنگ بزنند و ایمیل کنند؛ اما در جاهایی که امکانات تلفون و ساحه پوشش شبکه‌های مخابراتی نیست یا خانم‌ها به تلفون دسترسی ندارند، مردم به‌ویژه خانم‌ها می‌توانند به محل‌های توزیع کمک‌ها بروند. در آن جاها میز شکایت‌ها گذاشته شده است، شکایت خود را درج کنند. اگر این کار را نکردند به نزد کارمندان زن در مکان‌های توزیع کمک‌های بشری بروند، به کارمندان محلی شکایت کنند. آن‌ها مکلف هستند شکایت مردم را به دفتر برسانند. مردم می‌توانند از طریق یکی از موسفیدان یا افراد صاحب رسوخ اطلاع‌رسانی کنند. کارمندان آگاهی عامه ما مسوولیت دارند شکایت مردم را گردآوری کنند و مردم را از جریان ثبت شکایات آگاه سازند. در تمام مناطقی که کمک توزیع می‌شود، صندوق‌های شکایات وجود دارد و هر کس شکایت داشته باشد، شکایت خود را درج کند.

۸صبح: کمک‌های نقدی برنامه جهانی غذا چند نوع است؟

امانی: کمک‌های نقدی دو نوع است: یکی کمک‌های مواد غذایی است یعنی برای یک خانواده در مدت یک ماه مقدار معینی از بسته مواد غذایی در نظر گرفته شده است. این کمک‌ها هم نظر به سطح گرسنگی در مناطق شامل سه کتگوری می‌شود. در مناطقی که سطح گرسنگی بسیار بلند باشد، این مردم ۱۰۰ درصد بسته ماهانه کمک‌های مواد غذایی را به‌دست می‌آورند. به‌طور مثال، گفته می‌توانیم مردمی که در دو سه ماه اول بی‌جا می‌شوند، بسته‌های مکمل مواد غذایی را که شامل آرد غنی شده، روغن، نمک، دال‌نخود، بیسکویت یا انرژی بالا و بسته‌های غذایی برای جلوگیری از سوءتغذیه اطفال است، به‌دست می‌آورند. مناطقی که کمی وضعیت‌شان بهتر است، از همین مواد ۷۵ درصد آن را به‌دست می‌آورند و مناطقی که وضعیت‌شان از دسته اول بهتر باشد، ۵۰ درصد مواد را به‌دست می‌آورند. در عین ترتیب، این سه کتگوری در توزیع پول نقد هم وجود دارد. ما برای یک خانواده همزمان پول و مواد غذایی توزیع نمی‌کنیم. کمک‌های نقدی معمولاً در مناطقی صورت می‌گیرد که در آن جا بازار باشد، سیستم بانکی باشد، مردم بتوانند مواد غذایی مورد ضرورت خود را خرید کنند. مردم خودشان حق انتخاب مواد غذایی را به‌دست می‌آورند. ممکن به‌جای دال نخود لوبیا بگیرند. کتگوری دیگر، توزیع کوبون از طریق دکان‌داران و مغازه‌ها است که با آن‌ها قرارداد شده است. در قرارداد مواد غذایی مشخص شده که به نیازمندان براساس درخواست خودشان داده می‌شود و سپس هزینه آن از سوی ما در حساب بانکی دکان‌دار واریز می‌شود.

۸صبح: شما شاهد هستید که روزنامه ۸صبح در یک گزارش تحقیقی دریافته است که با توجه به مداخله و دست‌برد طالبان در توزیع کمک‌های بشردوستانه، ۴۲ هزار خانواده نیازمند در غور از توزیع کمک‌ها محروم شده‌اند. تا کنون از وضعیت معیشتی این نیازمندان و آغاز برنامه‌های شما در این ولایت معلوماتی در دست نیست؟ آیا فعالیت‌های شما در این ولایت به حالت عادی برگشته است؟

امانی: برنامه جهانی غذا اگر تشخیص دهد که اصولش زیر پا می‌شود، فعالیت‌های خود را به تعلیق در می‌آورد. غور یکی از مثال‌هاست. در ماه جنوری ۲۰۲۳، بنابر مداخله‌ای که از طرف «حکام محلی» غور در توزیع مواد غذایی صورت گرفت، نه تنها WFP بلکه در سطح ملل متحد کمک‌ها به حالت تعلیق در آمد. بعد از مذاکره‌های زیاد به ما اطمینان داده شد که دیگر مداخله صورت نمی‌گیرد. در ماه مارچ دوباره کمک‌ها آغاز شد، اما بعد از مدت کوتاه شاهد بودیم که مداخله صورت می‌گیرد و دوباره مجبور شدیم که کمک‌ها را به حالت تعلیق در بیاوریم. تمام کمک‌های برنامه جهانی غذا در غور تا فعلاً تعلیق است. یگانه کاری که وجود دارد فعالیت‌ها برای مبارزه با سوءتغذیه در کلینیک‌های عامه و هم از طریق تیم‌های سیار در بعضی از مناطق غور است. تا وقتی این فعالیت‌ها در غور به حالت تعلیق است که اطمینان داده نشود مداخله صورت نمی‌گیرد.

۸صبح: گزارش‌های متعدد به ۸صبح می‌رسد که کمک‌های بشردوستانه در برخی از مناطق به فروش می‌رسد یا در ایجاد مدارس دینی به مصرف می‌رسد. به‌گونه مثال، از بامیان می‌توان یاد کرد که کمک‌ها در بازار به فروش رسیده است.

امانی: این موضوعات را تعقیب می‌کنیم. شما اگر اسناد و شواهد دارید یا ما شریک سازید. خیلی خرسند می‌شویم. ما از طریق مکانیسم سمع شکایات، گزارش‌هایی را به‌دست می‌آوریم. از طریق رسانه‌ها هم به‌دست می‌آوریم. پرونده‌های مشخص را در مناطق در هر سطحی که بوده تعقیب کرده‌ایم. معمولاً در اکثریت موارد بسیار کم بوده است. مردمی که خودشان کمک به‌دست می‌آورند نیاز به پول دارند، می‌فروشند که ما نمی‌توانیم از آن جلوگیری کنیم. اما اصولاً نباید این کار را انجام دهند. اگر این کمک‌ها به مقدار زیاد سوءاستفاده می‌شود و در بازار به فروش می‌رسد، مردم با ما همکاری کنند. از ۸۰ درصد کسانی که در سیستم ثبت شکایات به پرسش‌های مردم پاسخ می‌دهند، خانم‌ها هستند. خانم‌ها باید آزادانه زنگ بزنند و صحبت کنند. همه مردم باید کمک کنند، اسناد و شواهد را در اختیار برنامه جهانی غذا قرار دهند. ما تلاش کرده‌ایم به مشکلات رسیده‌گی کنیم، اما ادعاها زیاد است که باید مردم در این زمینه همکاری کنند.

۸صبح: یکی از محورهای فعالیت‌های برنامه جهانی غذا رسیده‌گی به وضعیت کودکان مکتب دانسته می‌شود. در حال حاضر کودکان زیادی با شکم گرسنه به مکتب می‌روند. آیا آمار و ارقام مشخصی از آن‌ها وجود دارد؟

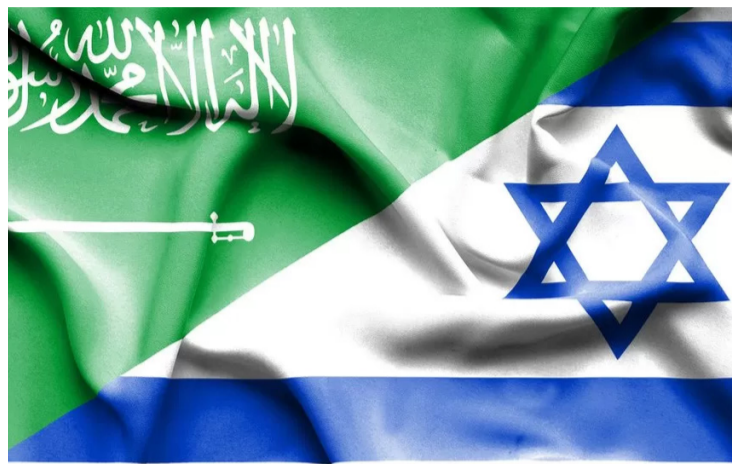
امانی: ارقام واحد و کلی را فعلاً در خاطر ندارم؛ اما فعلاً در افغانستان از هر ۱۰ خانواده ۹ خانواده دسترسی کافی به غذا ندارند. این شامل تمام افغانستان می‌شود. تلاش ما این است که بتوانیم خانواده‌ها را تشویق کنیم که کودکان‌شان را به مکتب بفرستند و برنامه جهانی غذا بیسکویت‌های با انرژی بالا را به آن‌ها می‌فرستد. این برنامه در بعضی از ولایت‌ها جریان دارد.

۸صبح: مساله دیگری که برنامه جهانی غذا به آن می‌پردازد، تغییر اقلیم است. خشکسالی یکی از نشانه‌های تغییر اقلیمی پنداشته می‌شود. خشکسالی‌های متواتر در افغانستان چقدر برای شما نگران‌کننده است؟

امانی: افغانستان از تغییرات اقلیمی بسیار متاثر می‌شود؛ چون محاط به خشکه است. زلزله‌ها، سیلاب‌های ویرانگر و آفت‌های طبیعی که اتفاق می‌افتد، واقعا نگران‌کننده است. صدای ما این است که جهان افغانستان را تنها نگذارد و به این کشور پشت نکند. اگر به تغییر اقلیم و وضعیت بشری کنونی در افغانستان توجه صورت نگیرد، ما شاهد وخیم شدن بیشتر وضعیت بشری در این کشور خواهیم بود و تعداد نیازمندان نیز افزایش خواهد یافت.

عربستان و اسرائیل؛

آیا عادی سازی رابطه ممکن است؟



شجاع الدین امینی

اسرائیل از دیرباز به دنبال عادی سازی رابطه با کشورهای عرب سنی به ویژه عربستان سعودی بوده است. این کشور از عادی سازی رابطه با کشورهای عرب ظاهراً دو هدف را دنبال می کند: ۱- به حاشیه کشاندن موضوع فلسطین از محراق توجه کشورهای عرب؛ ۲- مهار نفوذ ایران و گروه های نیابتی آن در خاور میانه. تلاش های اسرائیل در این زمینه پس از سال ۲۰۱۵ و روی کار آمدن دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا تشدید پیدا کرد. آمریکا کوشیده است به مثابه نیروی تسهیل گر در زمینه عمل کند. به همین منظور، در سپتامبر ۲۰۲۰ پیمان ابراهیم میان اسرائیل، امارات متحده عرب و بحرین با تلاش های دونالد ترامپ در کاخ سفید به امضا رسید. هدف از امضای این پیمان، عادی سازی رابطه دو کشور نامبرده با اسرائیل بود. بعداً مراکش و سودان در روشنی مفاد این پیمان در جهت عادی سازی رابطه با اسرائیل گام برداشتند. اما عربستان سعودی از پیوستن به پیمان مزبور اجتناب کرد و شروط و قیودی را پیش پای آمریکا و اسرائیل گذاشت.

حالا جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، می خواهد که فصل ناتمام سلف خود را تمام کند. به همین منظور آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، در ۶ جون سال روان به عربستان سعودی سفر کرد و با محمد بن سلمان، ولیعهد این کشور، گفت و گو کرد. عادی سازی رابطه عربستان سعودی با اسرائیل یکی از محورهای گفت و گو میان طرفین بود.

پرسش اصلی در زمینه این است که آیا عادی سازی رابطه میان عربستان و اسرائیل ممکن است؟ عادی سازی رابطه میان عربستان سعودی و اسرائیل ممکن است، ولی نه در بازه زمانی ای که آمریکا انتظار دارد. جو بایدن می خواهد تا سال ۲۰۲۴ به هدف فوق نایل آید تا از آن به مثابه دستاورد مهم در کارزارهای انتخاباتی استفاده کند. ولی یک سری عواملی وجود دارد که عادی سازی رابطه میان ریاض و تل آویو را به این زودی ها ممکن نشان نمی دهد:

۱- خطر دشمن مشترک رفع شده است

دشمنی با ایران یکی از زمینه های عادی سازی رابطه عربستان با اسرائیل بود؛ چون هر دو کشور ایران را به مثابه دشمن مشترک می دیدند و حضور این کشور و نیروهای نیابتی آن در منطقه را بر نمی تافتند. چیزی که ضرورت عادی سازی رابطه با کشورهای عرب را برای اسرائیل بیش تر عیان ساخت، امضای برجام بود؛ عاملی که کشورهای عرب به ویژه امارات متحده عرب و بحرین را به عادی سازی رابطه با اسرائیل فرا خواند، حمایت ایران از خیزش های عربی ۲۰۱۱ و مسما کردن آن به نام «بیداری اسلامی» بود. شکست داعش در عراق و سوریه و جدی تر شدن نیروهای نیابتی ایران در منطقه، شروع جنگ یمن در ۲۰۱۵، خطر افزایش توان موشکی ایران، ایجاد شکاف در شورای خلیج فارس پس از محاصره اقتصادی قطر در ۲۰۱۷ و لغزیدن این کشور به سمت ایران مزید بر علت شده بود. البته ظهور ترامپ

در آمریکا غنیمت بزرگی برای عربستان، امارات و اسرائیل بود. این سه کشور تلاش کردند تا ترامپ را به لغو برجام به گونه یک جانبه متقاعد سازند. حالا، پس از امضای پیمان دوستی میان ریاض و تهران با پادرمیانی چین، خطر دشمن مشترک که عربستان و اسرائیل را به سوی عادی سازی رابطه فرا می خواند، برداشته شده است. در صورتی که عربستان سعودی با اسرائیل به عادی سازی رابطه اقدام کند، ممکن است از نور رابطه تازه ترمیم یافته میان این کشور و ایران آلوده به تنش شود و تلاش های چین به بن بست بخورد.

۲- آمریکا و اسرائیل به خواست های عربستان تن نمی دهند

عربستان سعودی به ساده گی تن به عادی سازی رابطه با اسرائیل نمی دهد و شروط و قیود فراوانی پیش پای آمریکا و اسرائیل خواهد گذاشت. امارات و بحرین پیمان ابراهیم را بلاشروط پذیرفتند، ولی عربستان سعودی شروط گذاشت و نپذیرفت. خواست های عربستان از آمریکا به این موارد خلاصه می شود: حق برخورداری از داشتن برنامه هسته ای صلح آمیز، دریافت تجهیزات پیشرفته نظامی از آمریکا و متهم نکردن عربستان به نقض حقوق بشر به ویژه در قضیه قتل جمال خاشقچی، روزنامه نگار منتقد این کشور.

آنچه روشن است این که تیم جو بایدن در آمریکا به خواست های عربستان سعودی ترتیب اثر نمی دهد. برای مثال، دونالد ترامپ با مقام های عربستان سعودی توافق نامه فروش تسلیحات پیشرفته با هزینه بالاتر از ۸ میلیارد دلار امضا کرده بود، ولی جو بایدن آن را به تعلیق درآورد. همچنان قرار بود آمریکا به پاس پیوستن امارات متحده عرب به پیمان ابراهیم تعداد ۵۰ جنگنده F۳۵ به این کشور بفروشد، ولی جو بایدن از عملی سازی آن سر باز زده است. این در حالی است که دونالد ترامپ خلاف تصمیم کنگره در زمینه فروش تسلیحات پیشرفته به عربستان و امارات اقدام کرده بود.

جو بایدن در خصوص قتل جمال خاشقچی و نسبت دادن آن به مقام های سعودی جدی به نظر می رسد. او در زمان کارزارهای انتخاباتی اش در سال ۲۰۲۰ مقام های سعودی را متهم به دست داشتن در قتل خاشقچی می کرد و شعار می داد که ریاض به خاطر این جنایت باید هزینه بپردازد. جو بایدن در سفری که در ۱۵ جولای سال گذشته به عربستان سعودی داشت، با تشریفات ویژه از سوی مقام های سعودی مواجه نشد. گفته می شود که دلیل عمده آن لحن صریح جو بایدن نسبت به قضیه قتل خاشقچی است که مقام های سعودی را سخت آزاده است. جو بایدن پس از این سفر ادعا کرد که قتل خاشقچی را با مقام های سعودی مطرح کرده است: «با صراحت کامل گفتم که سکوت از سوی رییس جمهور آمریکا در مورد مساله حقوق بشر با ارزش های ما و شخصیت من سازگاری ندارد و من همیشه پای این ارزش ها می ایستم.» با توجه به این نکته، به نظر نمی رسد که مقام های ریاض با عادی سازی رابطه با اسرائیل تیم جو بایدن را به دستاورد بزرگ در انتخابات ۲۰۲۴ نایل کنند؛ دستاوردی که ممکن است کفه ترازو در انتخابات را به سود

جو بایدن سنگین کند.

خواست عربستان از اسرائیل این است که به توقف سیاست شهرک سازی و تشکیل دولت مستقل به نام فلسطین رضایت دهد. اسرائیل همواره از عادی سازی رابطه با عربستان استقبال کرده، ولی به نظر نمی رسد که به این خواست مقام های سعودی التفات به خرج دهد. برای فعلاً راست گراهای افراطی به رهبری بنیامین نتانیاهو قدرت را در اختیار دارند. راست گراها از طرح صلحی که منافع فلسطین در آن باشد، حمایت نمی کنند. پس از روی کار آمدن مجدد نتانیاهو سطح خشونت ها در نوار غزه افزایش یافته و کشتار غیرنظامی ها و سیاست شهرک سازی هنوز ادامه دارد. همچنان اسرائیل به خواست عربستان مبنی بر استفاده از برنامه هسته ای حتا صلح آمیز که به غنی سازی یورانیوم نینجامد، رضایت نمی دهد؛ چون اسرائیل تلاش می کند در خاور میانه توان هسته ای را انحصاراً در اختیار داشته باشد و برتری نظامی اش همیشه محفوظ بماند.

۳- عربستان از افکار عامه در جهان اسلام هراس دارد

واقعیت این است که عربستان از افکار عامه در جهان اسلام هراس دارد. از این رو، در خصوص عادی سازی رابطه با اسرائیل به غایت می کوشد احتیاط به خرج دهد. عربستان برخلاف سایر کشورهای عرب با اسرائیل ننگینده است. گفته می شود که در جنگ ۱۹۴۸ از ارتش اعراب خیلی کم حمایت کرده است. عربستان سعودی در جنگ ۱۹۶۷ بی طرفی اش را حفظ کرد؛ اما در جنگ ۱۹۷۳ در حمایت از اعراب ایستاد و کشورهای غربی را که حامی اسرائیل بودند، تحریم نفتی کرد. این امر وجهت عربستان سعودی را در دفاع از حقوق فلسطینی ها بالا برد. پس از آن، جهان عرب به عربستان به چشم مدافع حقوق فلسطینی ها می دید؛ شأنی که مصر به رهبری جمال ناصر از آن برخوردار بود و با روی کار آمدن انور سادات از دست داد.

عربستان موجودیت اسرائیل را انکار نمی کند و ادعا ندارد که دولتی به نام اسرائیل نباید وجود داشته باشد. همچنان به عادی سازی رابطه سایر کشورهای عرب با اسرائیل مخالفت نشان نداده است. پیمان صلح کمپ دیوید در دسامبر ۱۹۷۸، کنفرانس صلح مادرید در اکتوبر ۱۹۹۱، توافقات اسلو در سال های ۱۹۹۳-۱۹۹۵ و پیمان ابراهیم در سپتامبر ۲۰۲۰ گام هایی است که برای عادی سازی رابطه میان اعراب و اسرائیل برداشته شده، ولی مخالفت جدی عربستان را در پی نداشته است. البته، نه تنها مخالفت نکرده است، بلکه ملک عبدالله، ولیعهد عربستان، در سال ۲۰۰۲ طرح صلح با اسرائیل را رایج داد که به تصویب اتحادیه عرب رسید و به طرح صلح عربی معروف شد. این طرح در روشنی قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد نوشته شده بود که «صلح در برابر زمین» از مفاد آن است. این طرح به اسرائیل پیشنهاد می کرد تا به مرزهای قبل از سال ۱۹۶۷ برگردد و پیرامون آواره گان فلسطینی مسوولیت پذیر شود. اگر اسرائیل این طرح را می پذیرفت اتحادیه عرب با این کشور در سطح سفرا وارد رابطه می شد.

مقام های ریاض تا این دم در دفاع از ایجاد دولت مستقل فلسطینی ظاهراً جدی به نظر می رسند. برای مثال، در نشست اتحادیه عرب که در ۱۹ می سال روان در جده برگزار شده بود، محمد بن سلمان بار دیگر از آرمان فلسطینی ها دفاع کرد و بر تشکیل دولت مستقل فلسطینی تاکید ورزید. همچنان در جنوری سال گذشته فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان، که در مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس اشتراک کرده بود، عادی سازی رابطه با اسرائیل را منوط به تشکیل دولت مستقل فلسطینی خواند. ریاض دریافته است که عادی سازی رابطه با اسرائیل با حفظ وضعیت موجود به تضییع حقوق فلسطینی ها می انجامد و این می تواند به جایگاه این کشور در دنیای اسلام خدشه وارد کند؛ خطری که ممکن نیست به ساده گی بپذیرد.

از صفحه ۴

نقش طالبان...

تعداد ناچیز فارغان مدارس می توانند به کار مثمیری مشغول شوند و از رویاهای جنگیدن و مواجهه با جهان فارغ باشند. بیشتر آنان در جامعه ادغام نمی شوند و دایم چون سنگی در راه حرکت جامعه قرار می گیرند، آماده گی تعامل با جهان را ندارند و مهم تر از همه این فارغان از نظر اقتصادی بار دوش جامعه فقیر ما می شوند. آنان جز جیب و دسترخوان مردم منبع عایداتی نمی شناسند و مهارتی در پیدا کردن نان خود از راه غیرزالویی ندارند.

این گروه از افرادی که با حاکمیت طالبان تعدادشان رو به افزایش است، با افکار تارک و بی ظرفیتی وحشتناک و اخلاق غیرمدنی و تربیت زشت ادعای حاکمیت دارند و مدعی به چالش کشیدن مدنیت های معاصرند، خود را نماینده گان اسلام می دانند و می خواهند بر سر بنده گان خدا «سایه» باشند! آنان از جهان انتظار دارند که نسخه بدوی شان را کاپی و تکثیر کرده و شیوه امارت و زنده گی امارتی اختیار کنند.

اکنون کشور در فقر کشنده گرفتار است، بیکاری بیداد می کند و حکایت گرسنگی مردم ما در گوشه و کنار جهان تکرار می شود؛ اما طالبان مشغول ساختن مدارسند، مکاتب را می بندند و تعمیرهای تاریخی و مراکز فرهنگی و برخی مکاتب را به مدرسه بدل می کنند. آنان این تخریب کاری را فعالیت و کار می نامند. آنان چه نتیجه ای انتظار دارند؟ مدعی اند که همه مسلمان خواهند شد، مردم تابع نظام اسلامی خواهند گردید، اعمال شان شایسته خواهد شد و طالبان را در تقویت امارت همکاری خواهند کرد و اگر روزی گروه طالبان از قدرت رانده شد، همفکران بسیار در سراسر کشور خواهند داشت تا در احیای امارت همکاری کنند.

اما اگر از چشم غیرطالبانی به قضیه نگاه کنیم این ستم ناخوشودنی است. مدرسه در گذشته نیز به اندازه برآوردن نیازهای مذهبی مردم بوده و جامعه هرگز با کمبود ملا مواجه نبوده است. اما اکنون مدرسه به ابزار سیاسی بدل شده، در مدارس مبلغان افراطیت تربیت می شوند، و با این کار نظم جامعه برهم می خورد و آشوب و بدبختی بیشتر می شود. در نصاب مدارس چیزی نیست که جوانان امروزی به آن ضرورت دارند و با آن بتوانند زنده گی شخصی و خانوادگی شان را سامان بخشند و به عناصر مفید جامعه بدل شوند. موضوعاتی که در مدارس آموزش داده می شود، بسیار کهنه بوده و کودکان را از زمانه بیگانه می سازد. در مدارس حس جست و جو و نوآوری کشته می شود و تغییرخواهی که بزرگ ترین راز موفقیت جوامع است و باعث پویایی می گردد، در ذهن طالبان مدارس سرکوب می شود و برگشت به گذشته، سنگ شده گی و تحول ناپذیری چون عناصر اصلی ایمان تبلیغ می گردد. در مدارس کودکان از واقعیت ها دور نگه داشته می شوند و برای آنان از طریق داستان پردازی های تخیلی و روایات مجعول و آلوده با برنامه های استخباراتی و سیاسی رویاهایی خلق می شود که نه در گذشته اتفاق افتاده، نه در حال اجراشدنی است و نه در آینده خریدار خواهد داشت.

ملاهای متأثر از این پروژه ها زمانی که بر منبر می نشینند سخنان بیهوده و بی پایه به زبان می آورند. آنان با مسایل روز و زنده گی مردم رابطه برقرار نمی توانند. در عوض به خلق ترس و توهم توسل می جویند. آنان با سوءاستفاده از ایمان مردم در قلب مخاطبان هراس ایجاد کرده و از آن طریق می کوشند افراد را به اطاعت کورکورانه و اقدامات جاهلانه وادارند. در سخنان آنان اثر مثبتی نمی توان یافت تا باعث اصلاح، تحرک، کار و ترقی در جامعه شود. این وضعیت محصول نصاب عقب مانده و فرسوده ای است که ذهن ملاها را به بند کشیده و آنان با اذهان بسته منبر و اکنون دولت را در اختیار گرفته اند و در برابر تغییر جامعه و تحرک مثبت مردم ایستاده اند. در مدارس به مردم اخلاق و رفتار اجتماعی مناسب روزگار تدریس نمی شود. در آن جا به کودکان چگونه گی تعامل با دیگران آموخته نمی شود، با کودکان رفتار انسانی و سازنده صورت نمی گیرد تا از نظر روانی و عاطفی سالم بار بیایند. با آنان رفتار استبدادی می شود و در نتیجه فارغان مدارس مروجان استبداد و خشونت می گردند.

مدارس طالبانی ملت افغانستان، به خصوص پشتون ها را به سوی بربادی می کشاند. اگر این جریان متوقف نشود، کشور با فاجعه بزرگ مواجه خواهد شد. صاحبان بصیرت مسوولیت دارند که برای بیداری مردم تلاش ورزند. ملت باید از دام مدارس استخباراتی نجات یابد و کودکان ما نباید بیش از این چوب سوخت جنگ های نیابتی و تبلیغات تروریستی شوند.

درنگی بررمان «عورتینه»، اثر محبوبه تیموری



تمیم عرفان

رمان «عورتینه» اثری از محبوبه تیموری، نویسنده خوش نویس هرات است که در سال ۱۴۰۲ خورشیدی توسط انتشارات امیری در کابل به تیراژ ۱۰۰۰ جلد به چاپ رسیده است. این رمان برملاکننده هنجارها و معضلات سد راه بانوان است. رمان عورتینه (دوشیزه) ۲۸۰ صفحه و ۳۳ فصل دارد.

مدتی پیش در صفحات مجازی خبر چاپ این رمان را خوانده بودم؛ اما با نویسنده آن آشنایی نداشتم تا این که نویسنده چیره دست کشور سیامک هروی پیشنهاد مطالعه این کتاب را برایم دادند.

داستان کتاب به دور نخست حکومت طالبان مربوط می شود. شخصیت اصلی داستان را راوی «آنیما» می گوید؛ اما لقب او در جامعه و محیط، «نورک» است و همه او را با این نام صدا می زنند.

«حس می کنم بدنم برایم بیگانه شده و روز به روز زیر لباس های مردانه بیگانه تر می شود». شاید در نخست خواننده حس کند شخصیت نورک دوجنسه است؛ اما با کمی مطالعه خواننده رمزگشایی می کند و می داند که نه، نورک همان آنیماست که از جبر ظلم و ستم بداران و فقر و تنگدستی مجبور شده تا جامه مردانه بر تن کند و خود را مرد بنمایاند. «من نورک نیستم، نورک سپهر من است، نورک نان و کار من است، نورک جبر است. آه، این چه ظالمانه است، آنیما عاشق است و نورک تهی از نور و احساس». (ص ۲۵) در همین حال و هوای جبر و سختی های زنده گی، نویسنده عشقی را نمایان می سازد که ظاهراً یک طرفه است. آنیما عاشق فرهاد است؛ اما فرهاد فقط نورک را می شناسد نه آنیمای عاشق را. «دل من می خواهد فرهاد آنیما را ببیند.» (ص ۲۳)

در کتاب نزدیک به ۵۰ شخصیت شامل شخصیت های اصلی و فرعی ایفای نقش می کنند که هر کدام سهم مهمی در داستان دارند.

در نخستین بخش های کتاب، نویسنده خواننده را به عالم هیروت می برد و او را وادار می سازد به این بیندیشد که آنیما کیست؟ چیست؟ از کجاست؟ و زنده گی با او چه کرده است؟ او علاقه مند به کتاب است و همچنان دوست دارد بنویسد. آنیما دختر دانایی است، معلومات عمومی اش زیاد است و به مطالعه علاقه بسیار دارد. او مجبور است تن زنانه خود را ببوشاند تا مبادا روزی باداری او را خوش کند و خواستارش شود. نویسنده دنیای زنانه را با دردهایش به تصویر کشیده

است و می گوید که زن بودن چقدر سخت است. «کاکه»

و «شریفه» به او جا داده اند و آنیمایی که مادرش را از دست داده، حالا با شریفه مانند مادر انس گرفته است. کاکه و شریفه نمادی از یک خانواده مهربان و فداکارند. کتاب از زبان اول شخص روایت شده و روایت کننده اصلی آن آنیماست. آنیما در گفت و گوهایش بعضاً به گذشته می رود و سرگذشت خود را بازگو می کند. گذشته ای که آنیما از آن حرف می زند درد و رنج و تجاوز است و از بین رفتن دنیای کودکی. نویسنده دنیای پر از سختی را به نمایش گذاشته که دامن گیر کودکان این سرزمین است و بیش تر هم دامن گیر دختران این دیار. در تعریف دردها و مشقت های زنانه، فقط یک زن می تواند آن ها را بیان کند. هیچ وقت یک مرد نمی تواند این قسم مشقت های زنانه را بیان کند. اصلاً وقتی نویسنده از درد «عادت ماهانه» آنیما می گوید، روشن است که دارد یک زن این را روایت می کند.

آنیما با قصه های سفری که از ایران به افغانستان داشته اند، می گوید و دزدان سر گردنه ای که در بین راه آن ها را چور و چپاول می کنند. دزدان و قلدانی که همیشه و در هر جای حضور دارند و مردم را مورد آزار قرار می دهند و بعدش هم انفجار ماشین و دود و آتش. خانواده آنیما دو پارچه می شود. در آن حادثه مادر آنیما جان می بازد، پدرش یک دست و یک پایش را از دست می دهد و برادرش هم پایش را. بقایای جنگ سال ها بعد هم می تواند به مردم آسیب بزند. آنیما که چند سال بعد پدرش را نیز از دست می دهد، روزی در جمع دوستان فرهنگی اش با حمید مقابل می شود که روزی عاشق مادرش بوده است و دوست نزدیک خانواده ایشان و بسیار هم در زمان تنگ دستی خانواده آنیما را کمک کرده است. دست روزگار دوباره آن ها را مقابل هم قرار می دهد. نویسنده فصل به فصل این کتاب را با درد دل نوشته است؛ انگار که خودش تمام این حادثات تلخ را به چشم دیده باشد.

خواندن یک کتاب در یک نفس، آن هم با وجود این همه مشغله، کاری ست شاقه. من این کتاب را یک نفس خواندم، خود را فلم وار در داستان یافتم و با شخصیت هایش انس گرفتم و ارتباط برقرار کردم، کاری که کمتر کتابی توانسته با من عاشق ادبیات داستانی بکند.

در داستان شخصیتی به نام خاله ماه گل نیز ایفای نقش می کند که حالا به سن پیری رسیده و مراقبت از دو کودک کوچک و شوهر معتادش را بر عهده دارد. او نماد یک زن سخت کوش است و جعفر شخصیت خشن

و تنفرآمیز داستان که آنیما را مجبور به گدایی می کند تا جیره تریاکش را بخرد. «جعفر از تو گدا ساخت، جعفر معتاد، جعفر لعنتی با تو چه کرد؟» (ص ۱۲۹) آنیما مدتی بعد از مرگ پدر از نامه های باخبر می شود که پدرش با همان یک دست سالم و مغز نیمه کاره اش قبل از مرگ برایش نوشته. نویسنده توسط این نامه ها از خردسالی آنیما و گذشته خانواده اش پرده برمی دارد، از دلایل فقر و تنگ دستی و سفرشان و همچنین سختی های حکومت ملایی ایران که مردم را به سختی و رنج وامی دارد. امیر پدر آنیما چنان در نامه هایش از ذلت ها و مشقت های مهاجرت می گوید که خون آدمی به جوش می آید و بغض گلوئی آدمی را می فشارد. ذلت و خواری، ناسزا شنیدن، لت و کوب و هزاران معضل دیگر که گریبان گیر مهاجران است. درست است که این نوشته ها بازگوکننده گذشته آنیما، شخصیت اصلی داستان، است؛ اما در این بین نویسنده، با مهارت یک بخش مهم از کتاب را به امیر پدر آنیما اختصاص داده و به اصطلاح قهرمان دیگری برای داستان آفریده است. زنده گی امیر، پدر آنیما، پر از سختی و بسیار دردآور و ماجرابی است. زنده گی شخصی که به دلیل جنگ از معلمی به آواره گی، کار سر کوره ها و قاچاق مواد می کشد و در آخر هم از دست دادن خانواده: «مرا زنده گی زده، مرا چنان زده که خونم نریزد. این تن، چقدر سخت جان و سگ جان بود.» (ص ۲۳۱)

نویسنده ادامه ماجرا را از زبان حمید بازگو می کند. عشق نافرجام حمید دل آدمی را می لرزاند و او حالا به دنبال این است که آنیما و برادرانش را با خود ببرد به ایران و برای شان زنده گی جدیدی سروسامان بدهد؛ اما آنیما نمی خواهد دوباره به آن زنده گی قبلی برگردد، چون ایران برایش زخم ناسور و التیام نیافتنی است. از اول کتاب با خودم می گفتم داستان که غمگین و تراژدی است؛ اما لیلی و مجنون داستان چه خواهد شد؟ آیا بین این همه بدبختی و غم در این کتاب پاراگرافی هم یافت خواهد شد تا غبار غم را از دل خواننده بزاید که در آخرین صفحه کتاب به جواب سوال خود رسیدم: «کاکا حمید با سیمای خندان و بعد فرهاد با خانواده اش داخل سرا شدند. فرهاد دسته گل سرخی در دست داشت و با شور و شوق با خاله شریفه خوش ووش می کرد.» آخرین جمله کتاب، چه پایان دل انگیزی است! در پایان همه چیز تغییر می کند. با همین یک جمله خواننده احساس می کند که وارد دنیای دیگری می شود و همان شور و اشتیاقی که در فرهاد دیده می شود را حس خواهد کرد و مانند رمان های معمایی - جنایی به یکباره پایان داستان تغییر می کند.

اگر خواسته باشم جمع بندی کنم، عورتینه رمان پرکشش و پرهیجان است. تسلسل کلامی دارد و ادبیات عامه فهم در آن به کار رفته است. مخاطب را خسته نمی کند تا این که بگوید: «خوب، بعدش چه؟» در هر فصلش حرف های جدیدی به چشم می خورد و نقاط قوت کتاب بر نقاط ضعفش می چربد. اما کتاب شامل مقداری اشتباهات تایپی است که معمولاً در چاپ های اول عادی است.

جملات گزیده کتاب

*- درد نشانی از بودن و نفس کشیدن است، درد نام دیگر زنده گی است.

*- دنیا، دنیای بده بوستان است.

*- گاهی مرا همچو آیس کریمی می لیسد و غرق بوسه و محبت می کند و گاهی هم مثل کنده بلوط خشک و عبوس می شود.

*- فرد را به ده راه نمی دادند می گفت اسپ مرا به خانه ارباب ببندید.

*- محترم کو شاخ؟ بابایم را خنده گرفت و گفت: نگفتم که تو بر سر خود مثل گاو شاخ داری. بیچاره گفت: خوب مردم مرا قادر شاخ دار می گویند، جلو دهن مردم را که نمی شود گرفت.

*- عجب روزگاری شده، تریاک و هیروئین آزاد است، کتاب و درس ممنوع.

*- نمی توان به هربرود گفت نرو و موج زن و نمی توان مانع وزیدن باد شد.

*- در جامعه ای که کسی صاحب ریش و مویش نباشد همه بسان میمون می شوند.

*- زنده گی در ذات خود دریایی است که گاهی سیر طغیانی دارد و گاهی همچنان آرام و بطلی می گذرد که حرکت آن را نمی توان حس کرد.

*- اگر منطق و عاطفه باهم کار نکنند، دنیا غرق در خشونت خواهد شد، چنان که شاهدیم.

*- این ملک چه مردمانی دارد که نمی گذارند کسی آنچه که هست، باشد.

شمه ای از زنده گانی محبوبه تیموری ۱

بانو محبوبه تیموری زاده شهر هرات است. بانو تیموری داستان نویس است و نقاش و نیز طبع شعری دارد. داستان هایش دربرگیرنده مسایل مهم افغانستان است. او به تمام جنبه های زنده گی افغانستانی ها توجه دارد. دوره ابتدایی و لیسه را در لیسه مهری هرات و عایشه درانی کابل به پایان رسانده است. بعد از پایان دوره تحصیلی در دانشگاه کابل در مجله آریانای مرکز علوم اجتماعی اکادمی علوم مشغول به کار شده است. بعد از دو سال و اندی، کار در این مجله پژوهشی را به خاطر شدت جنگ ناگزیر رها می کند و مهاجر می شود.

از بانو تیموری چندین داستان کوتاه و بلند در مجله «فردا» که تحت نظر شادروان داکتر اکرم عثمان نشر می شد، چاپ و نشر شده است.

بانو تیموری یکی از موسسان انجمن ادبی «کانون فرهنگی جامی» در کالیفورنیا است. تیموری همچنان مدیریت فصلنامه «شمیره» را از بهار ۱۳۹۹ خورشیدی بر عهده دارد که در ولایت هرات به چاپ می رسد. این مجله فعالیت های زیادی در راستای ادبیات دارد.

نخستین مجموعه داستان های تیموری تحت عنوان «سایه های موهوم» در سال ۱۳۹۸ خورشیدی در هرات نشر شد. او سعی کرده است در این مجموعه از امروز و از دغدغه های امروزی بنویسد. شیوه نگارش، زاویه دید و قصه گویی او بی بدیل است. به قول استاد سیامک هروی، با صراحت می توان گفت که مجموعه «سایه های موهوم» پایان رکود چندین ساله نویسنده گی زن افغانستانی است. همچنان نخستین رمان محبوبه تیموری تحت عنوان «در ژرفای تنهایی» در سال ۱۳۹۸ خورشیدی در کابل و هرات نشر شد. «در ژرفای تنهایی» رمان تاریخی است که دو شخصیت محوری آن «تورا» و «ترانه» هستند که تحت تاثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور و نیز نابسامانی های سیاسی دهه های اخیر، سرنوشت تلخ و دردناکی به خود دیده اند. این رمان مخاطب را تا سرزمین های دور و بیگانه می کشاند. بانو تیموری اکنون در کالیفورنیا امریکا زنده گی می کند.

۱- برای معلومات بیشتر به این منابع مراجعه شود:

سیامک هروی، احمد ضیا، پایان یک رکود، فصل نامه شمیره، سال اول، شماره نخست، هرات: جوان، بهار ۱۳۹۹ خورشیدی، ص ۶۵-۷۲. پارسایی پور، شهرنوش، معرفی کوتاه سایه های موهوم، فصل نامه شمیره، سال اول، شماره نخست، هرات: جوان، بهار ۱۳۹۹ خورشیدی، ص ۱۱۵-۱۱۶. تیموری، محبوبه، در ژرفای تنهایی، هرات: انجمن ادبی دیار دارا، ۱۳۹۸ خورشیدی، ص ۷-۸، یادداشت های نویسنده.

خبرنگار ارشد:
ویراستاران:
صفحه آرایی:
پذیرش مقالات:
پذیرش اعلان:
نشانی پستی:
۸صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه صبح است. سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.



Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.baresh@8am.media

صاحب امتیاز:
مدیرمسئول:
سردبیر:
تحلیل گران:
دبیر گزارش ها:
دبیر تولید:

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

بارسلونا اعلام کرده است که ایلیکای گوندوگان، کپیتان آلمانی سابق منچستر سیتی به این باشگاه پیوسته است. این باشگاه روز دوشنبه، ۲۶ جون، با انتشار عکسی از گوندوگان، برایش خوش آمد گفته است. در کنار بارسلونا، منچستر سیتی نیز در صفحه توئیترش اعلام کرده است که گوندوگان پس از هفت سال از این تیم جدا شده و به آبی اناریها پیوسته است. هفته گذشته شماری از رسانه‌های ورزشی گزارش دادند که ایلیکای گوندوگان با بارسلونا به توافق رسیده است. این بازیکن ۳۲ ساله آلمانی قرار است دو سال آینده برای آبی اناریها توپ بزند. ایلیکای گوندوگان سال ۲۰۱۶ از باشگاه بروسيا دورتموند به منچستر سیتی پیوست. گوندوگان هفت سال برای این باشگاه توپ زد و در این مدت، ۱۸۸ بازی برای این تیم انجام داده است.

سازمان صحتی جهان: سالانه نزدیک به ۵۰۰ هزار تن به دلیل مصرف مواد مخدر می‌میرند



سازمان صحتی جهان به مناسبت روز جهانی مبارزه با مصرف مواد مخدر اعلام کرده است که سالانه نزدیک به ۵۰۰ هزار تن به دلیل مصرف مواد مخدر می‌میرند.

سازمان صحتی جهان روز دوشنبه، ۲۶ جون، با نشر توییتی نوشته است که تنها ۲۰ درصد از ۳۹ میلیون تن مبتلا به اختلالات ناشی از مصرف مواد مخدر در جهان، تحت درمان هستند.

این سازمان افزوده است که با کشورها و شریکان خود برای پیش‌گیری و کاهش آسیب‌های گسترده ناشی از مصرف مواد مخدر و اختلالات مصرف مواد مخدر به افراد، خانواده‌ها و جوامع همکاری می‌کند. روز جهانی مبارزه با سوء مصرف مواد مخدر و قاچاق غیرقانونی، هر سال ۲۶ ماه جون برگزار می‌شود.

این در حالی است که دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد در گزارش جدیدی اعلام کرد که افغانستان یکی از تولیدکننده‌گان عمده متامفتامین یا شیشه در منطقه شده است.

در این گزارش آمده که تولید متامفتامین در افغانستان افزایش یافته است.

براساس گزارش سازمان ملل، تولید متامفتامین در کشور سبب نگرانی فزاینده کشورهای جنوب غرب آسیا شده است.

لاوروف: استخبارات امریکا نخواست از آماده‌گی کودتا علیه روسیه اطلاع دهد

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه گفته است که استخبارات امریکا نخواست در مورد آماده‌گی شورش در این کشور صحبت کند، به امید این‌که شاید قیام موفق شود.

به گزارش اسپوتنیک، آقای لاوروف این سخنان را روز دوشنبه، ۲۶ جون، بیان کرده است.

او افزوده است: «خوب اول از همه، آن‌ها گزارش دادند که استخبارات امریکا از شورش قریب‌الوقوع چند روزی اطلاع داشت، اما تصمیم گرفتم در این مورد به کسی نگویم به این امید که شورش موفق شود.»

این در حالی است که پیش از این روزنامه واشنگتن پست به نقل از منابعی نوشته بود که سازمان‌های اطلاعاتی امریکا در اواسط ماه جون سال روان میلادی به کاخ سفید در مورد تدارک شورش مسلحانه در روسیه هشدار داده بودند.

تنش میان دولت روسیه و گروه واگنر پس از آن بالا گرفت که رییس واگنر ادعا کرد، نظامیان روسیه پایگاه شبه‌نظامیان این گروه در جنوب روسیه را هدف قرار داده‌اند.

وزارت دفاع روسیه اما انجام حمله راکتی بر پایگاه این گروه را رد کرد و از جنگ‌جویان واگنر خواست تا پریگوژین را بازداشت کنند و از دستورات «جنایت‌کارانه و خایانه» او خودداری کنند.

پوتین: هرگونه تهدید در برابر روسیه محکوم به شکست است

گفته که اعضای گروه واگنر که به شورش مسلحانه پیوسته بودند، تحت پی‌گرد قانونی قرار نخواهند گرفت. وی افزوده است: «ما همیشه به قهرمانی‌های آنان در جبهه احترام گذاشته‌ایم.»

از سوی دیگر، پریگوژین، رییس گروه واگنر، دو روز پس از شورش در پیامی گفته است که اقدام مسلحانه‌اش به منظور سرنگونی حکومت منتخب روسیه نه بلکه بر ضد رهبری نظامی این کشور سازماندهی شده بود.

وی از این اقدامش به‌عنوان «راهپیمایی به سوی عدالت» نام برد.

پریگوژین همچنان ادعا کرده که نظامیان روسیه پایگاه جنگ‌جویان را او هدف حملات راکتی و هوایی قرار دادند که در پی آن نزدیک به ۳۰ تن از اعضای گروه واگنر کشته شدند.

رییس جمهور روسیه افزوده است: «هم‌بسته‌گی ملکی نشان داد که هرگونه تهدیدی، هر تلاشی به منظور ایجاد آشفتگی داخلی، محکوم به شکست است.»

پوتین این اظهارات را دو روز پس از آن بیان کرد که یوگنی پریگوژین، رییس گروه واگنر، شورش مسلحانه‌ای را که علیه نظامیان ارشد روسیه آغاز کرده بود، با میانجی‌گری رییس جمهور بلاروس پایان داد.

پوتین روز دوشنبه، ۲۶ جون، همچنان هنگام ملاقات با مقام‌های ارشد امنیتی روسیه از کار و فعالیت آن‌ها در جریان شورش مسلحانه قدردانی کرد.

براساس اطلاعات، والرئ گراسیموف، رییس ارتش روسیه که گروه واگنر خواهان برکناری او بود، در این نشست دیده نشده است.

در همین حال، دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین،



ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، گفته است که هرگونه تلاش به‌خاطر تهدید کشورش با شکست مواجه خواهد شد.

به گزارش ان‌بی‌سی نیوز، پوتین این اظهارات را شام دوشنبه، ۲۶ جون، هنگام سخنرانی در تلویزیون دولتی روسیه بیان کرده است.

قتل یک مرد سیک در پیشاور؛ هند دیپلمات ارشد پاکستان را احضار کرد



حمله شبانه در شهر پیشاور در شمال غرب پاکستان، یکی از اعضای جامعه اقلیت سیک این کشور را که مانموهان سنگ نام داشت، به ضرب گلوله کشتند. مسوولیت این حمله را داعش به عهده گرفت. روز جمعه، ۲ سرطان نیز، یک تاجر سیک در این منطقه مورد حمله افراد مسلح قرار گرفت و زخم برداشت. حکومت هند همواره دیپلمات‌های پاکستانی را در اعتراض به کشتار و حملات بر سیک‌ها و هندوها، و همچنان حملات بر عبادتگاه‌های آنان احضار کرده بود.

به‌دنبال قتل یک مرد سیک در پیشاور پاکستان، وزارت خارجه هند یک دیپلمات ارشد آن کشور را احضار کرد.

بربنیاد گزارش روزنامه هندوستان تایمز، دهلی‌نو روز دوشنبه، ۲۶ جون، از حکومت پاکستان خواست تا حملات بر جان سیک‌ها در این کشور را بررسی کند.

بربنیاد این گزارش، سیک‌ها در پاکستان در «ترس دایمی از آزار مذهبی» زنده‌گی می‌کنند.

این در حالی است که دو روز پیش، مردان مسلح در یک

نشست مقام‌های بلندپایه ترکیه و فنلند با موضوع الحاق سویدن به ناتو



دبیر کل ناتو اشاره‌ای به تاریخ برگزاری این نشست نکرده است.

در حال حاضر به‌دلیل عدم حمایت ترکیه و مجارستان از درخواست پیوستن سویدن به ناتو، افزوده‌شدن این کشور به عنوان سی‌ودومین کشور به ناتو با موانعی روبرو شده است.

دولت ترکیه به دلیل آن‌چه «نگرانی‌های امنیتی» عنوان کرده، تا کنون به درخواست سویدن برای پیوستن به ناتو موافقت نکرده است.

رجب طیب اردوغان به تازه‌گی گفته است که در صورتی از پیوستن سویدن به ناتو حمایت می‌کند که این کشور جلو تظاهرات کرده‌های مخالف این انقره را بگیرد.

اردوغان حزب کارگران کردستان را که با حکومت ترکیه درگیری مسلحانه دارد، یک گروه تروریستی دانسته و از سویدن خواسته که اعضای آن را اخراج کند.

وزیران خارجه، رییسان سازمان‌های اطلاعات و مشاوران امنیت ملی کشورهای ترکیه، سویدن و فنلند پیش از نشست ۱۱ و ۱۲ جولای ناتو، دیدار خواهند کرد.

ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو روز دوشنبه، ۲۶ جون، در یک نشست خبری در ویلنیوس، پایتخت لیتوانیا گفت که این نشست به هدف پیشرفت روند الحاق سویدن به ناتو، در بروکسل برگزار خواهد شد.

استولتنبرگ با بیان این‌که در صورت پیوستن سویدن به ناتو موقعیت این پیمان دفاعی در منطقه بالتیک تقویت خواهد شد، افزود: «رایزنی‌ها درباره مشارکت سویدن در این ائتلاف ادامه دارد.»

او اضافه کرد: «من دیروز با رییس جمهور اردوغان صحبت کردم. همچنان با دولت‌های فنلند و سویدن در تماس نزدیک هستیم. ما توافق کرده‌ایم که قبل از اجلاس ویلنیوس، نشستی در سطح عالی در بروکسل برگزار کنیم.»

بایدن: در شورش روسیه دخالتی نداشتیم



جو بایدن، رییس جمهور امریکا می‌گوید که ایالات متحده و ناتو در شورش گروه واگنر علیه دولت روسیه به هیچ صورت دخالتی نداشته‌اند.

او این اظهارات را روز دوشنبه، ۲۶ جون، در کاخ سفید مطرح کرده است.

بایدن تصریح کرد: «ما هیچ بهانه‌ای به پوتین ندادیم تا غرب یا ناتو را در این مورد مقصر بدانند. به صراحت اعلام کرده‌ایم که دخالتی نداریم. ما کاری به آن نداشتیم. این بخشی از مبارزه در درون سیستم روسیه بود.»

جو بایدن با بیان این‌که او همچنان به تیم امنیت ملی کشورش دستور داد که برای سناریوهای مختلف آماده شوند، گفت که با متحدین امریکا نیز به صورت آنلاین گفت‌وگو کرده است تا از توافقی آن‌ها در مورد تحولات روسیه مطمئن شوند.

در همین حال، خبرگزاری تاس روسیه به نقل از سرگئی لاوروف، وزیر خارجه این کشور گزارش داده است که سرویس‌های اطلاعاتی روسیه در حال بررسی نقش احتمالی سازمان‌های جاسوسی غربی در شورش نافرجام شبه‌نظامیان مزدور گروه واگنر هستند.

این در حالی است که یوگنی پریگوژین، رییس واگنر که زمانی یکی از متحدان نزدیک ولادیمیر پوتین بود، روز جمعه، ۲۴ جون، پس از ادعای این‌که ارتش روسیه شماری از افرادش را در یک حمله هوایی کشته است، شورش خود را آغاز کرد؛ اما این شورش پس از ساعتی با میانجی‌گری الکساندر لوکاشنکو، رییس جمهور بلاروس توقف یافت.